

کتابخانه دیجیتال کار عالی ریاست مدرسه

نمبر دست
۲۲۱۵۶
نسخه دست
نام کتاب
کتاب ابی
فردوسی
فردوسی
نمبر کتاب در فن مذکور
۲۳۶۴

16006

2

جلد دوم ۱۹۶۳ء

۲۱۲

کتاب ابی



راجع باو ضاع ایران

در تعقیب نمره ۱ سنه ۱۹۰۹ء

شهر ربیع الاول ۱۳۳۱

مقدمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

من این ایام فرخنده فرجام که نور تمدن شرق و غرب عالم را فرا گرفته با آثار علم و دانش بقوه برقیه در هر نقطه از نقاط ممالک متمدنه راه یافته فریضه ذمه اولیای هر قومی است که هموم عالیّه خود را در ترویج و تشدید علم و ادب مصروف داشته و بدینوسیله افراد و ابناء قوم را از ورطه ضلالت بشاهراه هدایت و درایت دعوت نموده و مؤسس سرمایه سعادت جمع شده آنان را باوضاع کنونی عالم بصیر و با سیاست مدن مربوط نموده و از گرداب جهل و نادانی برهانند اول کسیکه در این مملکت پیشقدم شده و دامن همت بکمر زده و از بذل مال و اوقات شریف خود در اینراه سرموئی فروگذار ننموده بگانه گانه ترویج و تاجی قوم پیشوای حریت و بیدار کننده ملت فدائی وطن

حضرت مستطاب اجل امجد اشرف آقای سردار اشپد دامتکم
 شوکته عالی که پس از ایثار جان و مال در رهائی این مملکت
 از چنگال قهر و غلبه استبداد با کسالت مزاجی که از شدت نهاجم
 افکار مؤثره راجع باین اب و خاک عارض خاطر مبارکشان شده
 که خود باعث یأس و متارکه از اغلب اقدامات است معهدا در
 بروز مساعی جمیله برای خدمت به نوع خود داری نموده
 و اوقات گرانبهای خود را کاملاً مصروف به عارف پروری
 و ترویج علم و افتتاح طرق دانش و معرفت نموده و بالا اختصاص
 در این ایام محض اکاهی عموم ایرانیان بترتیب سیاست غرب
 و استحضار از پلتیک و روابط دول خارجه با این مملکت اهتمامات
 وافیه در ترجمه و نشر کتاب انی که حاوی اخبارات مهمه ایران
 از بدو تأسیس مشروطه بپیدا است و جریان پلتیک و منافع
 اقتصادی دول همجوار و اضعا اشکار میدارد بممل آورده و در
 واقع خدمت بزرگی به احاد و افراد این مملکت نموده که در آتیه
 مجهول نخواهد ماند و نظر بدقایق نتیجه که در ترجمه صحیح این
 کتاب داشته اند این خدمت را بعهده این بتدو بپندار و خادم

حمت میرزا علی خان مدبرالملک محول فرموده اند و این بنده هم
 با اشتیاق کامل که بخدمت گذاری هموطنان عزیز خود دارم
 ارجاع این خدمت را برای نیل به امال و آرزوی خود منتعم
 شمرده و انجام آنرا سرمایه افتخار ابدی خود قرار داده حتی القوه
 در صحت ترجمه آن اهتمام و دقت نموده و امیدوارم در نظر
 قارئین محترم پسندیده افتد و چنانچه نقصتی در آن مشاهده
 فرمودند به کرم خود از آن صرف نظر فرمایند



۱

۱

۱

۱

۱

مراسلات و مخبریات در باب

اوضاع ایران

در تعقیب جادغره يك سنه ۱۹۰۹

(نمره ۱۵)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در

۳۰ نوامبر) طهران بتاريخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸

شاه و مشروطه

جواب بر اسله مشترک مامور خه ۲۲ شهر حال از طرف دولت

ایران رسیده است

مراسله مزبور مبنی بر این است که تعرض مادر باب تعلیمات

مخالفانه دادن ناصحین مخفیة بشاه بی اصل است و شاه محتاج به

نصیحت ملتزمین خود نیست . دولت ایران ضمناً از ما خواهش

نموده است که بدول متبوعه خودمان اطلاع بدیم که شاه

قصد اعطای مجلسی دارد که مطابق عادات مردم و طبیعت مملکت

باشد و با قوانین شرع اسلام موافقت داشته باشد . و نیز در مراسله

مزبور خاطر نشان نموده اند که اغتشاشات و انقلاباتیکه در ایام

مشروطه سابق در مملکت بروز نمود بهین مناسبت موافق
 نبودن مجلس با عادت مردم بود
 ظاهراً مجلس مشورتیکه اعلیٰ حضرت مزبور در ۲۸ نوامبر
 تأسیس آنرا به ترجمانهای سفارتین اعلام نموده همان مجلس
 منظوره است

(نمر ۲۵)

تلگراف سراد وارد گری به سر نیکلسن

وزارت خارجه ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸

جناب عالی باید از مسیو ایسولسکی سؤال بکنید که آیا او با
 نظریات دولت انگلیس در باب مسئله ذیل موافقت دارد یا خیر ؟
 ما تصور میکنیم هر اسئله که از دولت ایران به سر جارج بارکلی
 و همکار روسی اورسیده است نباید بی جواب گذارده بشود .
 فرض میکنیم مجلسی که شاه وعده نموده است واقعا مثل همان
 مجلس شوری باشد که شاه دوروز قبل به ترجمانهای سفارت
 خانه ها اطلاع داده است در اینصورت احتمال نمیرود که
 باعث اسکات بشود یا ملت با تشکیل مجاسی که مبنای آن به انتخاب

نباشد اقتناع بشوند

دوات انگلیس تصور میکنند بهتر است در این باب التیمانی
 بشود مبنی بر اینکه شاه باید امر بکند که مجلس مشاوره مزبور
 بدون دفع وقت پیش از این شروع بنوشتن قانون جدیدی
 برای انتخابات بنماید

(نمره ۳)

تاکراف سر نیکلسن به سراد و اردگری (واصله در غره دسامبر)
 سن پترزبورغ غره دسامبر ۱۹۰۸

مرحمت فرموده به تاکراف مورخه دیروز خودتان

مراجعه فرمائید

بنا باطلاعات واصله مسیو ایسولکی از شارژدافر روس
 مقیم طهران مقدمات مجلس مشاوره منظور تاکنون بعمل آمده
 و تهیه قانون انتخابات اولین مشغله آن هیئت خواهد بود بنا
 به اطلاعی که از مسیو سباین رسیده مسیو سبیلین و سر جارج
 باروکی باهم موافقت نموده اند که حتی القوه در سرعت اجرای
 این امر گوشش بنمایند و در ضمن منتظر بشوند تا روش منظورا

اتخاذ بگردد . بعقیده مسیو ایسواسکی نظر بمراتب فوق عجلتاً
 اظهار دیگری از طرف دولتین بشاه لازم نیست ولی من بجناب
 معزی الیه توضیح دادم که یک مبنای انتخابیه از برای مجلس
 جدید قطعاً لازم است حتی چنانچه حق انتخاب هم نسبت با انتخاب
 مجلس ماضی محدود تر باشد و هیچ مجلس مشاوره یا هیئت دیگری
 که اعضای آن فقط از طرف شاه تعیین بشوند در عوض مجلس
 منتخبه قبول نخواهند شد . بهر حال چون نمایندگان دولتین در
 طهران توصیه نموده اند که چندی تأمل بشود تا به بینیم مجلس
 مشاوره حاضره چطور کار میکنند این جهت عجلتاً تأمل نمودن
 بهتر است من جواب دادم که مراتب را بوزیر امور خارجه
 انگلیس اطلاع خواهم داد . در هر صورت قانون انتخاب را
 مجلس مشاوره باید باسرع وقت حاضر بنماید

(نمره ۴)

تلگراف سر جارج بارکلی به سردواری (واصله در

غره دسامبر)

طهران غره دسامبر ۱۹۰۸

رجوع به تلگراف سن پترزبورغ مورخه امروز اعضای
مجلس اعیان جدید ماری از این کار و نادان و ارتجاعی هستند
باستثنای یکی دو نفر که آنها هم مایل بحضور در آن محضر نیستند
در واقع ترکیب این هیئت غیر مرضی است وبالصراحت نشان
میدهد که شاه پیش از پیش لزوم تأسیس رژیم جدید را تقاضا
میکند. بجز اینکه ما بتوانیم شاه را متقاعد بنمائیم که چند نفر
اشخاص تربیت شده ازادی خواه بعده اعضای مجلس مشاوره
ببفرزاید چاره نیست و الا من گمان میکنم مساعی ما برای تجدید
تشکیل يك مجلس منتخبه بی فایده باشد

ضمناً اهمیت اوضاع تبریز در تراید است

(نمره ۵)

تلگراف سر جارج بارگلی به سراد وارد گری (واصله در

نمره ۵ سامبر) طهران نمره ۵ سامبر ۱۹۰۸

جنرال قونسول اکلیس از تبریز خبر میدهد که پانصد نفر قشون

روس از جلقا عزیمت نمودند

(نمره ۶)

تلگراف سرچارچ بارگلی به سرادوار دگری (واصله در غره

دسامبر) طهران غره دسامبر ۱۹۰۸

وجوع به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من

با وجود اطمینانیکه حسب الامر شاه بموسط وزارت امور

خارجه به نمایندگی های دولتین داده شده بود امروز دستخط

۲۲ شهر ماضی در تمام شهر منتشر شده

شارژدافر روس و من جدا تاکید نموده ایم که اوراق مزبور باید

بدون تأخیر توقیف بشود

(نمره ۷)

تلگراف سرچارچ بارگلی به سرادوار دگری (واصله در ۲

دسامبر) طهران ۲ دسامبر ۱۹۰۸

در تعقیب تلگراف مورخه دیروز خودم ابلاغی از طرف

شاه به من رسیده که جواب او بعلامه را بکلی بدون استحضار او

بدیوارها نصب نموده اند و خود او هم از این بابت خیلی متخیر

است . اعلیحضرت مرور امر نموده است که دستخط منتشره

جمع و پاره بشود

شاه تصور میکند که دستخط مزبور کار علما باشد ولی چون
ممکن است بعضی قضاچه منصبان جز هم مسؤل باشند اعلیحضرت
مزبور بحکومت طهران امر نموده است هر شخصی را که دخیل
ایشکار یافت مورد مؤاخذه قرار دهد
اعلیحضرت معظم اطمینانهای را که علاءالسلطنه در چهارشنبه
ماضی به من تبلیغ نموده بود تکرار مینماید

﴿ به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من مراجعه نمایند ﴾

(نمر ۸۵)

تلگراف سر نیکاسن به سراد و اردگری (واصله در ۶ دسامبر)
سن پترزبورغ ۶ دسامبر ۱۹۰۸

﴿ مسافرت سفیر فوق الماده به سن پترزبورغ ﴾

دپروژه سیو ایسواسکی به من اطلاع داد که باوجود اظهار دولت
روس که امپراطور مایل نیست در مورد فوت گران دوک الک میس
مأموری برای تسلیت اعزام بشود مهذا ورود سفیر مخصوص
برای این امر واقع خواهد شد

جواب دولت این مبنی بر این بوده که معذالک دولت

ایران میل دارد سفیر فوق العاده را بفرستد و به اضافه سفیر مزبور
حامل یک مراسله مهمی از طرف شاه بامپراطور خواهد بود

(نمره ۹)

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در

۸ دسامبر) طهران ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

دو هفتم شهر حال تمایش بر علیه مشروطه در باغ شاه واقع
شده و نلگرافاتی که شهرت داده شده بود از ولایات مبنی
به مخالفت با تشکیل پارلمان رسیده که در باغ شاه ترتیب داده
شده بود اشاعه یافت پرواضح است که این نتیجه تمایشهای
سه چهار نفر وزیر از قبیل صدر اعظم و وزیر جنگ بوده که
بواسطه تجدید حکومت مشروطه خیلی چیزها از دست آنها
خواهد رفت بنا بر این من و همکار روسیم چنین صلاح دیدیم
که فرصتی بدست آورده و برای شاه توضیح بنمائیم که این
اظهارات عقاید عمومی جعلی بهیچوجه از اعلی حضرت را از تعهداتی که
نموده اند مستخلص نمیکند . لهذا در خواست موقع شرفیابی
نموده و شاه روز چهارشنبه وزیر مختار روس را بارداد و روز

بعد من را . من بان اعلیحضرت عرض نمودم علت درخواست نمودن موقع شرفیابی محرمانه این است که مجال مذاکره در باب اوضاع منقلبه حاضره را بان اعلیحضرت داشته باشم و بان اعلیحضرت اطمینان دادم که آنچه را عرض خواهم نمود فقط پیش نهاد صمیمانه است که برای منافع خود ان اعلیحضرت و مملکت او لازم است پس از ان من شروع به بیانات ذیل نمودم

چنانچه خاطر مبارک ان اعلیحضرت مستحضر است مسلك اساسی دولت انگلیس و روس در ایران تبری جستن از مداخله باموورات داخلی این مملکت است دولتین از این مسلك منحرف نخواهند شد

بنا بر این دولتین نظر به جواری و دول کامل الوداد بودن صمیمانه ما پند که پیشرفت و مسالمت ایرانرا در ترقی به بینند و بواسطه روابط مستحسنة با این مملکت دولتین همیشه از وظایف خود شمرده اند که دولت اعلیحضرت شاه را بانصایح خیر خواهانه خود تقویت بنمایند هم من و هم همکار روسی من منتظریم که نصایح مشفقانه ما بید، تور العمل دولتهای متبوعه

خودمان بان اعلیحضرت عرضه میداریم در این موقع که مملکت ایران از بحران عظیمی میگذرد کاملاً استقبال بشود بموجب اخباراتی که بما رسیده است اهالی ایران چه در پای تخت و چه در ولایات در نهایت اضطراب و انقلاب هستند اعلیحضرت شاه بر عاپای خودشان تجدید استقرار مشروطه را وعده فرموده اند و این وعده با اصرار بدوالتین کامل الوداد مواجهاً اظهار شده

حوادث شنبه گذشته با این وعده منافی است. از قرار مسدوع در آن روز بموجب حکم وزراء قریب چند صد نفر مردم را در باغ شاه جمع نمودند که بمخالفت مشروطه اظهارات بنمایند و عریضه در این موضوع بجمعیت علماء ترتیب داده شده بود و با اعلیحضرت شاه تقدیم شده. بنده و همکار روسی من صمیمانه امیدواریم که این اشتهاارات که بتوسط دشمنان مملکت و آنهاستیکه بهیچوجه مراقب مکنونات مردم نیستند ترتیب داده شده باعث انحراف اعلیحضرت از قصدیکه داشته اند نشده و نقض قول اعلیحضرت را ننماید. مملکتی که از اغتشاشات

و نامالایمات و سوء اطیذان بستوه آمده با کمال بی صبری منتظر
اجرای این مواعید است دو اتینیکه ما نماینده آنها هستیم
نمی‌توانند بحد کافی در لزوم تسکین ملت اصرار بنمایند و برای
اینکه از مخاطرات عظیمه که در پیش است و ما پیش بینی
مینمائیم و محتمل است نتایج وخیمه در این داشته باشد
جلوگیری بشود پیش از این مهاله کنند . بهمچنین من و همکار
روسی خودم با کمال افتخار توجه گاهه اعلی حضرت را باغتشاش
حاضره معطوف میداریم که رفع این اغتشاش بسته با اجرای
مواعیدیست که اعلی حضرت شاه بر عیت خود نموده اند

در خاتمه میل دارم خاطر مبارک اعلی حضرت را بوضع رقت
انگیز بعضی از اتباع خودشان که بجزم مقصر پاتیکی بودن
مجهوسند معطوف بدارم چونکه چندین ماه بی تکلیف و بدون
تحقیق در محاسن مانده اند

ما جسارتاً از جانب این اشخاص بدبخت در خواست
ترحم و تفضل اعلی حضرت را مینمائیم

پس از آنکه اعلی حضرت مزبور اظهار امتنان از این نصایح

نمود در جواب شرح مبسوطی بیان فرمودند
 چون روز پیش هم همین نوع عنوانات را از مسیو (دوهارت
 ویک) استماع نموده بود مدت کافی وقت از برای تهیه جواب
 داشته و بی شبهه ناصحین ارتجاعی تعلیمات دقیقه به او داده بودند
 او بکلی منکر جعلی بودن اظهار حیسات عامه بر ضد
 مشروطه بود و اظهار داشت که یک قسمت بسیار عمده متنفذین
 مردم بر این عقیده هستند که حکومت مشروطه مخالف اسلام
 است و در ترتیب نمایش بضمیمه مشروطه در باغ شاه وزراء
 دخالتی نداشتند اگر چه بدون تردید نفوذ علماء در این موضوع
 تأثیری داشته . اعلیحضرت شخصاً با تأسیس یک پارلمانی
 اظهار همراهی می نمود که ایران انرا لازم دارد ولی باید ترتیب
 ان بکلی با مجلس سابق فرق داشته باشد . اعلیحضرت مزبور
 وضع حاضره را با وضع جاریه در اواخر سنه ۱۹۰۶ بمشال
 سنجیده و اظهار میداشت که در ان ایام دولت مخالف مشروطه بود
 و مردم طالب ان حالا بر عکس دولت طالب ان است و مردم
 مخالف ان

آن عالیحضرت ارادهٔ تقض عهد خود را ندارد و بنمایش در باغ
شاه هم تمکین ننموده بلکه در صدد تأسیس مشروطه ایست که
مناسب حال این مملکت باشد. قانون انتخابات بولایات فرستاده
شده ولی او باید فرصت داشته باشد که بتواند اطمینان حاصل
بنماید تا چه حد مردم آنرا قبول خواهند نمود

عجائز که در انتشار دستخط سابق او شده و بواسطهٔ فشار
سفارتین بوده باعث از جاو کثونی شده حالا باید اینقدر مجال
باو داده شود که مخالفین حکومت شوروی را جاب بنماید.
در باب اشخاصیکه محبوس هستند عالیحضرت، زیور اظهار
داشت که بقیدۀ او کسانیکه هنوز در حبس هستند مقصرتند
نه متهمین پولتیکی ولی او وعده نمود که بصورت امایی آنها
مراجعه نماید

من جواب دادم حلی مسرورم از اینکه عالیحضرت ارادۀ تجدید
استقرار مشروطه را دارد. من نمیخواهم بان عالیحضرت تجویز
بنمایم که چه قسم حکومت مشروطه برای ایران لازم است
ولی آنچه برای منافع و مصالح لازم است این است که بهر زودی

که ممکن باشد مردم از این خیالاتیکه در مغز آنها جایگیر شده که
اعلیحضرت شاه اراده ایفاء بوعاید خود را ندارد اسوده بشوند
من جسارت بمخالفت با ان اعلیحضرت نمودم که مخالف بودن
احساسات عامه با حکومت مشروطه بی اصل است و مسلم است
که عقیده عمومی بر این است که تمایش بر علیه مشروطه صمیمی
نیست پس از ان من اظهار نمودم که از تکمیل مواعید ان اعلیحضرت
اثرات مستحسنة در وضع تبریز حاصل خواهد شد. ایفای باین ترتیب
و اعطای عفر عمومی از برای استقرار صلح در اینجا بالاترین
اقدام است

از مذاکراتیکه متعاقب شرح فوق بمیان آمد دیگر که ان نمیکنم
مطلب قابل الذکری باشد چونکه کلیتاً تکرار صحبتهای فوق
بود ولی چیزی که لازم است ذکر بشود این است که در باب
تبریز شاه اظهار داشت انها تیکه در تبریز مسلح مخالف با او
هستند برای مشروطه جنگ نمیدانند اغلب از انها اشوب تا انان
قفقازی هستند و جنگی که یکسال است دایر است فقط یکنوع
یاغی گری ایلیاتی معمولی است. من بان اعلیحضرت اظهار نمودم

که چنگ مزبور فوراً بعد از نهادن مجلس در اواخر ماه ژوئن شروع شد . من خاطر آن اعلیحضرت را متذکر نمودم که تبریزها جدیداً تلگرافی مبنی باظهار فدویت مخابره نموده اند و بنظر من اینموقع خوبی از برای عنوان صلاح بود و عقیده خودم را تکرار نمودم که اعطای يك عفو عمومی و ایفای سریع بمواعید اعلیحضرت بهترین وسیله استقرار نظم است

بعد از مرخصی خواستن من از شاه ان اعلیحضرت از مستر چرچیل که همراه من بود تقاضا نمود که يك لحظه در اینجا توقف نماید ان اعلیحضرت از او خواستار شده بود که برای من توضیح بنماید که در حضور مترجم ایرانی ان اعلیحضرت میل نداشته این صحبت را بنماید و ان این است که قشونیکه در باغ شاه با او هستند باین عقیده پسی تفت آمده اند که وجود آنها برای مدافعه از مذهب خودشان لازم برده و اگر ان اعلیحضرت حکومت مشروطه را اعطا بنماید آنها بهیچان خواهند آمد چونکه عقیده آنها بر این است که مشروطه مخالف با اسلام است

منظور این بود که من با خودم این عقیده را از محضر او ببرم

که او سلطان خواهان مشروطه ایست و مایل بسطنت شوروی
 نمودن است ولی فقط تنفر اقلب از ملت او از مشروطه او را از
 قبول يك همچو رويه مانع شده است در صورتیکه البته این
 خیال بی اساسی است برای غالب مردمان خارج از پای تخت
 و بعضی از شهرهای عمده یحتمل بی تفاوت باشد ولی اکثر طبقات
 کم و بیش تربیت شده مسلماً خواهان حکومت مشروطه هستند
 خصوصاً تجار و اشخاصیکه در این مملکت دارای شغل باندینی
 هستند تأمین خود را در متابعت با تعدیات حالیه ناصحین غیر
 مسؤل شاه میدانند . من نمیتوانم بگویم که امید نتیجه از این
 دو فقره شرفیابی حاصل است (مسیودوهارت و يك) که
 امروز از طهران حرکت نمود و يك نوبت دیگر دیر و زنجبصور
 شاه بار یافته بود بمن اطلاع داد که در این نوبت شرفیابی
 خودش هم مغتنماً يك مرتبه دیگر با کمال جدیت باشاه
 مذاکره نموده و اعلیحضرت مزبور با او وعده داده که در عرض
 دو سه روزه ائیه دستخطی توزیع خواهد نمود . اگر ایفاء
 باین عهد هم بشود من تردید دارم که آیا اقدامات رضایت

بخش را حاوی خواهد بود یا خیر چونکه اشخاصیکه دخیل
در تهیهٔ يك همچو دستخطی بوده‌اند «سأما از چند نفر معدود
ایرانیان بیطرف و کامل نخواهند بود که انطوریکه شاید و باید
مبنی يك همچو نقشهٔ را بترتیب مفیده قرار بدهند که منشأ
اثرات مطاوبه بگردد (جارج بارگلی)

(غرّه ۱۰)

تلگراف سرجارج بارگلی به سرادوردگری (واصله در ۹
دسامبر ۱۹۰۸) طهران ۹ دسامبر ۱۹۰۸

بسفارت روس همچو شهود شده که حالا از وضع شاه
اینطور مستفاد میشود که کمتر با مشروطه مخالفت دارد .
چون این موقع برای اقدامات در این موضوع مغتنم است
ما در خواست باریافتن بحضور اعلیحضرت مزبور را نموده‌ایم
که ترجمانهای سفارتین شرفیابی حاصل نموده و دو فقره
عریضه اهالی مشهد و استرآباد را که در باب خواستن مشروطه
نوشته‌اند بشاه تقدیم بنمایند ترجمانهای مزبور با ضافه استفسار
خواهند نمود که او مذاکره و مشاوراتی که از اعلیحضرت در

شرفیابی ۲۸ شهر ماضی ترجمانهای مزبور اظهار داشته بود در
انوقت جمعی مشغول بوده اند چه نتیجه حاصل شده

(نمره ۱۱)

تلکراف سر جارج بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۱۰
دسامبر) طهران ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸

● شاه و مشروطه ●

روزنامه رسمی «ایران» دیروز اشعار میدارد که اعلیحضرت شاهرای
خود را بر این قرار داده که مجلس مشاوره مفصلی مرکب از پنجاه
نفر اعضاء تشکیل دهد . اعضاء این مجلس مرکب خواهند
بود از علماء و تجار و اشخاص بصیر باوضاع مملکت و اشخاص
دیگری که اهالی انتخاب نمایند . این هیئت دو تمام امورات
شعبات مملکت نظارت خواهند داشت و در باب اصلاحاتی که
برای مالیه و سایر دوایر دولتی لازم است مشاوره خواهند نمود

(نمره ۱۲)

تلکراف سر جارج بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۱۲

طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸

دسامبر ۱۹۰۸

رجوع به تلکراف دهم شهر حال من وزیر امور خارجه سواد
 نظامنامه را که برای مجامع مشاوره جدید مرتب گردیده بن داد
 است. در این نظامنامه هیچ ذکری از انتخاب اعضا دیگری غیر
 از آنها تیکه شاه انتخاب نموده نشده است با وجود این بعضی نکات
 خوب در این نظامنامه هست در صورتیکه يك شاه خوش
 نیتی باشد و يك عده اعضای متمدن صاحب عزم و بجدی متدین
 که اقتدارات مفروضه بخورد را بخوبی بکار ببرد بوده باشند این
 اقدام جدید شاید بهترین احتمال تأسیس حکومت صحیحی را
 برای دولت ایران داشته باشد چنانچه معلوم است از مجموعی است
 که نتیجه مجاهدات سه ماهه سفارتین است و محتمل است یکی
 بنماید باشد و مشکل است انتظار داشت که این اقدام در
 اوضاع ولایات شمالی اثرات مطبوعی حاصل بنماید

(نمره ۱۳)

تلکراف سرچارچ بارکلی به سراد واردگری (واصله ۱۲

دسامبر) طهران ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸

رجوع بتلکراف ۹ شهر جاری من

وزیر امور خارجه بیا اطلاع میدهد که بواسطهٔ امت مزاج
 عارضه اعلیحضرت نمیتواند ترجمانه‌های سفارتین را بپذیرد .
 علاء السلطنه خواهش نموده است مذاکراتی را که ما میخواسته ایم
 با شاه بنمائیم بتوسط او بنمائیم . ما این خواهش را رد
 نموده ایم و اظهار داشتیم که ممکن است پس از اعادهٔ صحت
 مزاج اعلیحضرت ترجمانه‌ها را بپذیرند
 (نمره ۱۴)

فکراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله
 در ۱۴ دسامبر) طهران ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸
 رجوع بتلکراف ۱۲ شهر جاری من
 از ترکیب هیئت مشاوره صراحتاً مشهود میشود که
 غرض از ترتیب نظامنامه این مجمع فقط فریب دادن ما است
 بنسبت امتناع شاه از پذیرفتن ترجمانه‌های سفارتین
 ما یادداشت مشترکی بتوسط وزیر امور خارجه تقدیم داشته
 و خاطر اعلیحضرت مزبور را از مواعید خودش آگاه نموده
 و خاطر نشان او نموده ایم که تشکیل مجلسی که مرکب از اعضاء

منتخبه بتوسط خود اوست برای ایفاء عهدیکه ان اعلیحضرت
 نموده بودند مکفی نخواهد بود . ما پیشنهاد خود را
 تکرار نموده و فقط امید خاتمه پذیرفتن اوضاع ناهنجار
 حاضره را منحصر به تشکیل مجلس منتخبه عامه و اعطای عنو
 عمومی به اهالی تبریز نموده ایم

(نمره ۱۵)

تلگراف سر نیکسن به سر ادوارد گری (واسله در ۱۵

دسامبر) سن پترزبورغ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

در ضمن ملاقاتیکه من امروز با مسیو ایسولسکی نمودم
 با انجناب در باب طفره از ایقای عهد نمودن شاه و رعایت نمودن
 نصایح ما مذاکره نمودم . من اظهار نمودم که باید با کمال
 تشدد بشاه تاکید بشود که ما نمیتوانیم بگذاریم او این روش را
 تعقیب بنماید . مسیو ایسولسکی استفسار نمود چه اقداماتی
 من در نظر دارم جناب معظم المیه با اقداماتی که قال بر مداخلات
 مستقیم دولتین باشد مخالف بود . من اظهار داشتم که شاه
 عهد نموده است که قانون انتخابات را اشاعه دهد و مجلسی تشکیل

بدهد و ما جداً اصرار نموده ایم که هنوز عمومی با اهالی تبریز اتفاق
 بشود . اگر ما در همین موضوع ها ایستادگی بنمائیم
 کافی است

و باید جداً اصرار بنمائیم که برای تکمیل این ترتیبات
 بشاه فشار بیاوریم

(نمره ۱۶)

تذکره ای که جارج بارکلی به سران وارد گری ا واصله
 در ۱۷ د. ا. ب. (تاریخ ۱۲ د. ا. ب. ۱۹۰۸)
 بنا به تمهید . وقتی که در روز ۱۱ د. ا. ب. با سفارت روس
 غرضه و ملاقات بنموده ، اولین روز خراسانه بود از برای
 چاپین پیمانیکه زاریت باه داشت هر روز صبح ۱۰ سیه سپین
 و سه سال واه زاریت بافت نمودیم بیخام شاه این بود
 همه استفسار نموده بود یا در صورت آن سیه و سرومه
 دراتین حاضر خور نمود بود که چهار سید هر ، لیره باو فرقت
 داشتند باخیر . سه سال واه اختیار فرید که شاه اصرار باقی
 دارد که گری من میکنم که بتوانم هلاکت را عیانت بدهم

مرا دخیل در کار بنمایند و آن من از قبول آن امتناع نموده اظهار
 داشته‌ام که دخیل در کار نخواهم شد مگر در صورت حکومت
 شوروی و نیز برای آن اعلیحضرت توضیح ندم که یگانه امید
 بهبودی در اوضاع حاضر منحصراً با استقرار مشروطه است
 ظاهراً حالا شاه برای قبول آن حاضر شده و با و امر
 نموده است که از نماینده‌های دولتین در باب استعراض استفسار
 نماید . من زجانب نماینده‌های دولتین جریب دادم که
 با اعلیحضرت شاه اطلاع دهید که عجزاً بهیچوجه امید آن نیست
 که دولتین برای دادن قرض منظور حاضر بشوند مگر در
 تحت حکومت مشروطه و مقه و در از این مشروطه آن نیست که
 دولت شاه دستخطی صادر نموده و وعده اعطای مشروطه
 بر تالیای خود بدهد . بلکه لازم است که مشروطه به‌واقع
 اجری گذارده بشود و تأمینات لازمه با دولتین داده بشود
 که وجه استعراض به نماینده‌ها بتمامه صرف بشود .
 اگر چه من ترتیب یکت هیچر تأمینی را نمیتوانم قطعاً
 اظهار دارم و اولین اطایانات از طرف سیویبزو لازم

خواهند داشت مبنی بر اینکه ن تأمینات کافی است
از قراریکه من استنباط نمودم اعلیحضرت شاه بيم انرا
دارد که تأمینات از قبیل اشغال کمركات با خاک ایران باشد
من سعدالدوله را از این نکته مطمئن نمودم ولی در ضمن
تصریح نمودم که طبیعتاً ما تأمیناتی از برای تأدیه فرع وجه
استقراض لازم خواهیم داشت . من نیز اظهار داشتم که
اوضاع مملکت از بد به تر رسیده و اصرار نمودم که اگر اعلیحضرت
شاه اکنون جدیت دارند بدون دفع وقت مقاصد حسنه خود
را بر عابای خود اعلام بدارند . اگر چه دولین ترتیب
يك مشروطه را که مناسب حال مملکت باشد نمیتوانند تشییح
بنمایند ولی من بسعدالدوله اطمینان دادم که اگر او محتاج
بقویت و نصیحت ما در مساعی خودش بر ای ایجاد نمودن
يك قسم مشروطه باشد او میتواند وثوق کامل بدولتین داشته
باشد که از بذل ان مضایقه نخواهند نمود
سعدالدوله در موقع خروج خودش از سفارت بظاهر
خیلی خوش وقت و امیدوار میشود

(نمره ۱۷۵)

مکتوب سرچارج نارکلی به سراد و ارد گری (واصله در

۲۱ دسامبر) طهران ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

اقا - چنانچه در تلگراف ۲۲ شهر جاری خودم اطلاع

داده ام در ۱۹ شهر حال غایب دیگری در باغ شاه بمخالفت

انمقاد مجلس داده شد آنچه در آن محضر واقع شده عیناً واضح

نیست ولی یقین است که عریضه از طرف علماء که بدست و شیخ

فضل الله و امام جمعه و صدراعظم و شاهزاده نایب السلطنه عمو

و پدر زن شاه و امیر بهادر جنگ ترتیب داده شده بود بشاه

تقدیم شد عریضه مزبور مشعر بر این بود که مجلس مخالف اسلام

است و اعلیحضرت شاه بایک نوع آگراه ظاهری دستخطی

بمضمون مطلوب صادر نمود .

دستخط مزبور در ۲۱ شهر حال بمطبعه دولتی فرستاده

شده بود و در همان روز صدر اعظم در جواب سوآلی که

من بتوسط عباسقلی خان نموده بودم اظهار داشتند که بمحض

طبع شدن منتشر خواهد شد

من و همکار روسی خودم پس از مشورت با هم موافقت نمودیم
 که یادداشتی باامضاء خودمان وزیر امور خارجه بنویسیم و
 تاکید بنمائیم که شاه تجدید نظری در رأی قطعی خود ننماید .
 چون وقت آن گذشته بود که تاوان اشاعه یافتند . تاخیر شاه
 را ممانعت نمود بجهت اینکه دستخط مزبور غروب همان روز
 بدست عموم رسیده بود و بولایات نزد علماء فرستاده شده
 و امر بر انتشار آن شده بود . بعد از آن من تحقیق نمودم و
 ملتفت شدم که یادداشت ما را علاء السلطانہ تا غروب ۲۳ بندر
 شاه نرساده بود . علی الظاهر یادداشت مزبور اثر فوری
 نموده بود چون که در همان شب طبع کننده مر شده بود که
 دیگر هیچ نسخه از آن دستخط را توزیع ننماید و در جمع نمودن
 نسخه ها بیکیکه منتشر شده بود کوشش نمودند . شب بعد
 علاء السلطانہ بتوسط دستر جر چیل بمن پیام داده بود که روز غد
 بملاقات من خواهد آمد و حقیقت کیمیات دستخط من بود و توضیح
 خواهد نمود

علاء السلطانہ امروز نزد من آمده و اظهار داشت که حسب

الفرموده شاه آمده است که بعضی اطلاعات اضافی در باب دستخط بمن بدهد معظم الیه اظهاری داشت که غرض از دستخط مزبور این نیست که شاه تشکیر مجلسی بخواند بلکه فقط مجلسی پیش مجلس سابق تأسیس نموده نمود. اضافه دستخطی که حقیقتاً بشود را دستخط گفت نیست فقط جوابی است که بعلماء داده شده و رسمیت ندارد. چونکه فی توسط صدر اعظم توزیع نشده و علماء از طریق و نشر نموده اند. من جواب دادم موجب که سال آنست که اصلاً آن توزیع شده و زمزمی الیه سؤال نمودم که آیا ممکن است من بدوات مطبوعه خودم ضلوع بدهم که آن شاهان بر خلاف امر شاه بوده. همچو می نمود که زمزمی الیه از دادن جواب صریح احتراز دارد ولی، بالاخره اضمحلال نمود که ممکن است من تکرار اف بکنم که تا اندازه که او اطلاع دارد دستخط مزبور حسب الامر از طریق نشده و علیه حضرت معظم هیوند در صدد است که مجلسی مناسب احتیاجات مملکت و مطابق با قوانین ملامت این بداید چنانچه در دستخط ۲۴

سما بهر خودش هم و نه در ده است.

بلی

من استنباط نمودم که مجلس منظوره چیز دیگری بجز این مجلس
مشاوره که اعضاء آن را شاه معین بنما بدشخواهد بود و من از مزای
الیه استفسار نمودم چه وقت باید منتظر قانون انتخابات بود .

او جواب داد که اعلیحضرت معظم امر به تهیه آن نموده است ولی
بواسطه بیانات اشکار مردم بر ضد تأسیس مشروطه انتشار آن بعهده
تاخیر افتاد .

پس از آن شرح مبسوطی در باب صلاحیت مجلس مذاکره شد .
با اختصار من عقیده خودم را تکرار نمودم که اعاده نظم
در تبریز و استقرار امایش در بقیه نقاط ایران فقط بسته به تشکیل
مجلس منتخبه است . مزای الیه اظهار داشت عقیده او
بر این است که انقلاب آذربایجان بهیچوجه مر بوط با مسئله
مشروطه نیست و ایران برای حکومت پارلمانی مستعد نیست
چنانچه زیاده رویهای مجلس سابق دلیل بر این مدعا است و قسمت
عمده مردم مخالف با مشروطه هستند . او نیز اظهار داشت
شاه خوف آنرا دارد که اگر مجلسی تأسیس بشود باعث خوئریزی
بسیار خواهد شد چونکه احسانات بر ضد آن پشمار است و او

يك دسته فلكرافات ولايات را برای اثبات حیات عمومی بنهاد
 مشروطه ارائه داد . او و اول نمود که آیا من - وصحت این
 فلكرافات تر دیدی دارم . من جواب دادم شیر تر دیدی ، ندادم
 ولی معذالك آنها را نیز انم شاهد بر احساسات واقعی عمومی
 قرار بدهم تا اندازه من صلاح دارم اهالی پای تحت و طبقات
 تربیت شده و کسانی که در مملکت دارم ، انتخابات می‌توانند
 خواجهان مجلس منتخبه هستند که آن مجلس اصحیح منفق شاه و
 در تحت يك كنترول و نظارت قرار نهد . انتخاب مردم عوام
 یحتمل چندان در قید مشروطه نباشند - ولی چیه بکند آنها میخواهند
 تأمین و مسالمت است و این هم با این ترتیب هفتاد کنونی
 میسر نخواهد شد

من از علاء السلطنه خواهش کردم که ترتیب با ریاست
 ترجمانهای سفارت را بدهد . منم الیه را ، انصاف ، تا بد
 نموده و پیش نهادم ، که در عرض ترتیب با ریاست منم ، انه ، ان خرد
 من نهد . من اخلها مردم که شرفیابی سالی من چندان تا بعد
 سود مندی بخشیده و بهمیده من از مذاکرات مشفقانه شاه

با مترجم ها محتمل است نتایج مفیدتری حاصل بشود . اگر
 من شرفیابی مجددی بخواهم حاصل بنمایم با اتفاق همکار روسی
 خودم خواهد بود . محتمل بموجب اوامر دول متبوعه خودمان
 ما مجبور به تجدید عناوین هم با آن اعلیحضرت بشویم . برای
 احتراز از این مسئله است که ما تقاضای بار یافتن ترجمانهای
 خودمانرا مینمائیم . از استماع اینکه ما باید عناوین دیگری
 هم بنمائیم آثار کجی کاوی در معزی الیه ظاهر گشت و اظهار
 داشت از این نگران است که مبادا ترجمانها از آنچه باید بگویند
 تجاوز بنمایند من او را در این باب مطمئن نمودم و با الاخره او
 راضی شد که تعیین موقع شرفیابی منظور را موکول بمیل
 شاه بنماید

ایضاً ترجمه دستخط شاه و سواد یادداشت مشترک مورخه

۲۲ نوامبر خودمان را ارسال میدارم

(امضاء) جارج بارکلی

﴿ دستخط مورخه ۱۹ نوامبر شاه ﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جنابان مستطابان علماء عظام

پیوسته منظور و نظر ما پُروده و هست که دین مبین اسلام و قوانین
حضرت رسول را تقویت و حفظ نمائیم حالا که شما اظهار داشته اید
استقرار مجلس با قوانین اسلام مخالف است و نامشروع بودن آنرا
فتوای داده اید و و علمای ولایات هم کتباً و تالکرافاً نامشروع
بودن آنرا فتوا داده اند ابتدا ما هم بکلی از این عزم صرف نظر
نموده و حتی در آیه هم هیچ ذکری از چنین مجلسی نخواهد شد
ولی بتوجه امام عصر عجل الله فرجه تعلیمات لازمه برای بسط
عدل و داد داده شده و خواهد شد جنابان عالی از این نیت ملوکانه
مابرای انبساط عدالت و حفظ حقوق رعایای خودمان و علاج
مفاسد بر حسب قوانین شرع مبین البته تمام طبقات را مستحصر
خواهد داشت

(محمد علی شاه قاجار)

ملفوظه نمره ۲ نمره ۱۷

یادداشت مشترک بهاء السلسله

طهران ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

حضرت اشرف

نماینده های دولتین انگلیس و روس با کمال تعجب و تأذیر
استماع نموده اند که اعلیحضرت شاهنشاهی پیروی تعلیمات سوء
ملتهن بین خود را نموده عریضه جاتی که بهیچوجه حاوی احساسات
متمسکه ملت نیست بهمانه قرار داده و قصد ندارند که تشکیل
میراسی از نماینده کان ملت بنمایند. نماینده های دولتین دول متبوعه
خود را بوسیله تا کراف از این عزم تأسف آمیز شاه مستحضر
خو نمودند خود که از این عزم مشهود است اعلیحضرت معظم در
صدد اینشاء بتواعید خود که مکرر به ملت خود وعاینده های
دولتین داده است نیست و از وظایف نماینده های دولتین است
که بهمین زودیها حسب الامر دول متبوعه خود شان عنوانات
لازمه نموده و اعلیحضرت شاه را آگاه بنمایند که برای منافع شخصی خود
و مصالح مملکت خود از آن اراده جدید بیکه نموده صرف نظر بنمایند

نمانده های اوستاین مادامی که منتظر تعلیمات از دول متبوعه شود شافی نمیشود. با اینکه از مداخله در امور داخلی ایران احتراز میجویند تکلیف خود میدانند که تکرار و تأکید در این بقیین خود بنمایند که فقط وسیله تسکین و نرضیه اهالی که بواسطه روش مخالفانه شاه نسبت بشروطه در خطه اذربایجان علم طغیان بر افراشته و همچنین در پایتخت و سایر ولایات در غلیان و هیجانند این خواهد بود که اعلیحضرت همیونی خود را از قید صلاح اندیشی اشخاصیکه فایده خود را در دوام حالت منقلب کنونی میدانند ازاد نموده و حکومت شوروی را مجدداً تأسیس بنماید (جارج بارکلی - سبیلین)

(نمره ۱۸۵)

مکتوب سر جارج بارکلی به سرانش وارد گری (واصله ۲۱ دسامبر)
 طهران ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

اقا - در تعقیب مکتوب مورخه ۲۵ شعبان خودم با کمال افتخار ترجمه رساله دوات ایران را افا تقدیم میدارم که در جواب یادداشت مشترکه من و همکار روسی من است که

در ۲۲ شهر حال بوزیر امور خارجه بامید ممانعت از توزیع دستخط شاه که مشعر بر منصرف شدن از تشکیل مجلس نوشته بودیم . جناب عالی از آن ملاحظه خواهیید نمود که از ما درخواست نموده اند که بمقامات لازمه اعلام بداریم که شاه قصد اعطای مجلسی دارد که مناسبت طبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات ایرانیان باشد . بی شبهه غرض از اعطای این مجلس همان هیئت مشاوره ایست که شاه یقین نموده و تشکیل اثرادر ۲۸ شهر حال اعلیحضرت معظم بترجمانهای سفارتین اعلام نموده و سابقاً در تحت مکتوب علیحده بجناب عالی اطلاع داده شده ملاحظه خواهیید فرمود که فراز اول مراسم خبلی در هم است . معیناً مقصود بقدر کمایت واضح است باین معنی که میخواهند بمن و همکار روسی من مطالب را مشتبه بنمایند که عنوانات ما بمنی به افواه غیر موجه است دولت ایران نااین درجه زیاد روی نمینماید که اطلاعات ما در باب فسخ عزیمت شاه از تأسیس مجلس نماینده کانا را تکذیب بنماید . خود صدر اعظم شخصاً تا این اندازه را بمن اطلاع داد و این عزم شاه

نیز روی کاغذ آورده شده موشح بامضای او گردیده و در مطبعه دولتی بطبع رسیده و چندی اشاءه یافته ولی آنها اظهار میدارند که هیچ دلیلی از برای نسبت دادن این عزم را نصیحت های منافقانه درباریهای اعلیحضرت معظم نداریم و اعلیحضرت شاه محتاج بنصایح آنها نیست و آن درباریها همچو عقیده ندارند و این عبادتی است که اگر اصلاً حاوی معنائی باشد مفاد آن این است که در بار بیان شاه با تأسیس مجلس نماینده کان مخالف نیستند که حقیقتاً ادعای عجیبی است

بادداشت ما اثر خود را نمود چون بمحض تقدیم شدن بشاه امر صادر شد که دستخط مزبور توقیف بشود و من و همکار روسی من کمان میکنیم که از این اسناد آنها که اقدام ما مبنی بافواهاات بی اساس بوده میتوان اغماض نمود

(امضا) جارج بارکلی

ضمیمه نمره ۱۸

ترجمه مراسله علاءالسلطنه به سر جارج بارکلی طهران ۲۷

نوامبر ۱۹۰۸

جنابا - با کمال احترام و وصول یادداشت مورخه ۲۲
 نوامبر جناب عالی را اطلاع میدهم نسبت نصایح مذاقاً تهیه دادن
 که در اریان داده شده و فقط مبنی بر یک راپورت در این
 باب است و هیچ اساسی ندارد و باعث تعجب و تأسف نماینده کان
 محترم دولتین شده بیشتر اسباب تعجب و تأسف این جناب
 گردید بجهت اینکه جناب عالی این بین تأسف امیر را مبنی بر یک
 راپورتی نموده اید و قبل از آنکه تحقیقی در صحت این راپورت
 بنمائید باین درجه تصور و خیال خود را ازاد نموده اید
 و درباریان دولت شاهنشاهی را فقط با اعتقاد اینکه همچو نظر
 و عقیده دارند آنها را لکه دار نموده اید در صورتیکه آنها بهیچوجه
 در این عقیده نیستند لله الحمد اعلی حضرت شاهنشاهی با ذکوات
 و درایت و مراقبت کامله که در حفظ اساس حکومت پادشاهی
 و همچنین برای رفاه و آسایش ملت خودشان بروز و ظهور میدهند
 بهیچوجه محتاج به نصیحت درباریان خود نیستند اعلی حضرت
 شاهنشاهی طبیعتاً در تکالیف خود بصیر و در وظایفیکه بری
 ممالک داری و رعیت پروری لازم است بخبری اکتفا

اعلیحضرت شاهنشاهی نیز بخوبی از عادات و رسوم اهالی ایران
 استحضار دارند و باقتضای وقت عمل نموده و مجلسی اعطا خواهند
 نمود که مناسب احتیاجات زمان و مذهب و عادات ایران باشد
 نه اینکه باعث آشوب و انقلاب مملکت بشود بی مناسبت نماید
 که تہ جہ جنابعالی را باوضع مملکت در عرض دو سالہ حکومت
 مشروطہ معطوف بدارم کہ باعث ہمہ نوع بی نظمی گردید و باید
 خاطر نشان جنابعالی بنمایم کہ اعطای یک همچو مجلسی مثل
 مجلس سابق مناسب احساسات عمومی نیست و این اندازه آزادی
 بیقاعده است و باعث بروز انقلاب و مفاسد خواهد شد چنانچہ
 مشاهده شده است

نظر بروابط و دادیکہ مابین دولتین جاری است و غائبندہ های
 محترم دولتین مایل ببقاء و تشدید آن هستند۔ من ابدوارم جنابعالی
 بمقامهای لازمه اعلام خواہد فرمود کہ قصد اعلیحضرت اعطای
 یک مجلسی است کہ مذاہب باطبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات
 اهالی ایران باشد بطوریکہ مملکت و ملت بتوجہات ملوکانہ در رفاه باشند
 امضاً (محمد علی عالی سلطنہ)

(نمره ۱۹)

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰)

۳۱ دسامبر (طهران ۳ دسامبر ۱۹۰۸)

اقا - بحال افتخار صورت خلاصه وقایع اتفاقیه در عرض

چهار هفته ماضی ایران را بر حسب معمول لقا ارسال میدارم

امضاً (جارج بارکلی)

ضمیمه (نمره ۱۹)

خلاصه وقایع ماهانه

اخبار عمومی

سفارتین نکلیس و روس بتوسط ترجمانهای خودشان

بدولت ایران در باب حمله قشون دولتین بیک قریه اروامنه در

حوالی تبریز و مقتول و مجروح شدن یک عده اروامنه اظهارات

متفقاً نمودند

بروز وقایع جدید در مشهد که بی شبهه مربوط بمحضور

سید محمد مجتهد طهرانی در آنجا است بهمچنین عدم امکان ورود

عین الدوله به قشون شاه به تبریز در عسرت مالدیه افزوده

امضا (چرچیل و کیل شرقی) بتاريخ ۲ دسامبر ۱۹۰۸

(تبریز)

جنرال فونسول انگلیس در نهم نوامبر از ارومیه وارد شد
 بتاريخ ۱۱ نوامبر همزی الیه اطلاع داد که از قرار مذکور يك
 عده استعداد اضافهٔ مركب از ۴۰۰ نفر سوار وارد شده و در
 باسج بنر مائرمای اذر بایجن ملحق شده اند . در سیزدهم
 يك عده از قشون دولتی در تحت مصمم خان از اوامر حکمران
 سر پیچی نموده به حجابار حمله برده بسیاری از اوامنه را مقتول
 و مجروح نمودند در همین تاریخ سیصد نفر قزاق ایرانی با شش
 عراده توپ باردوی دولتی ملحق شدند و دستار و تیسلا اطلاع
 داد که ورود آنها تولید اثری در تبریز نمود

در ۱۶ نوامبر قشون ماتی مراغه را تصرف نمودند ولی در
 ۳۰ نوامبر خیر رسید که آنها را از انجا عقب نشانده و به تبریز
 رجعت نمودند در ۳۱ نوامبر انجمن محلی در دهاقان (سلماس)
 مجدداً تشکیل یافت و در ۲۳ بناب واقعه در ساحل شرقی
 دریاچهٔ ارومیه را ملتیان بعد از مجادلهٔ با سواران چهار دوالی

تصاحب نمودند

در ۱۸ نوامبر متنیان تلگرافات به پارلمان لندن و پاریس
و سن پترزبورگ مخابره نمودند و بر علیه راپورتهای دروغی که
در باب مخاطره اتباع خارجه داده شده پرتست نمودند
(رشت)

اردو کشی حکمران بطالش منجر بعدم موفقیت کامل گردید
قشون او هنگام عبور دهات را غارت نموده و در بعضی نقاط
باموال اتباع روس خسارت وارد آوردند بتاريخ ۱۵ نوامبر
در گرگان رود اهالی بانها هجوم نمودند و آنها فرار نموده يك
عزاده توپ و اهم از دست دادند عقیده مستر راینو بر این
است که اعزام قشون لازم نبوده چونکه گرگان و دیها مکرر
اظهار فدویت و موافقت در قبول هر حاکی بجز سردار امجد
نموده اند بواسطه اینکه در ایام ماضی او خیلی ظلم بانها نموده
در ۱۵ نوامبر عمارت كرك در انزلی را آتش زدند ولی
قبل از اینکه خسارت زیادی وارد بشود اضفای حریق شد .
مظنون است که اینکار ملتیان باشد که میخواسته اند باین واسطه

مقدار کثیری اسلحه و آلات نارینه که برای شاه وارد شده بود و در کمرک بوده معدوم بشود

تقریباً یکصد و هشتاد قبضه تفنگ ضایع شده است

(مشهد)

مکتوبی باسم علماء کربلا که اهالی خراسان را دعوت

به هیجان نموده بود و مشعر به تشدد بسیار نسبت بشاه بود

در ماه نکته بر در اینجا منتشر گردید و باعث تهیج زیادی شد

و اپورت تلگرافی از مشهد مشعر بر این است که در ۲۹ نوامبر

تقریباً ۴۰۰۰ نفر طلاب در حرم جمع شده و از راه ایستند.

روز بعد بواسطه دستگیر شدن یکی از متقدمین اشوب طلبان

انقلابی بروز نموده و همین طلاب و مشون شلیکی واقع شده.

در غره دسا، بر اوضاع جالب اهمیت شده و عده شورشیان

زیاد شده بسیاری از کسبه بطلاب ملحق شدند و قشون در معابر

جمع شده و قراول میدادند

استرا بااد

از استرا بااد بسفارت روس خبر داده شده که در اینجا اغتشاش

بروز نموده و حکومت مؤسسين انقلاب را به بياردمان شهر
تخويف نموده

اصفهان

در هشتم نوامبر حکومت نظامی در اصفهان دائر گردید
ظاهراً بقصد اینکه از متبيح نمودن علماء مردم را بصدحکومت
جلوگیری بشود. از آن تاریخ به بعد شهر آرام بوده
مقارن ۲۰ نوامبر تلگرافی از طرف علماء مرتجع طهران
بنامای اینجبا محابره شده بود مبنی بر اینکه شاه از خیال تأسیس
مشروطه بکلی منصرف شده. تلگراف مزبور در اصفهان
منتشر نگردید. کلیه طرق بجز راه بختیاری، بر از سارقین است
در ۱۷ شهر حال در حوالی یزد خواست قافلهٔ مرکب از سی
شتر با سارقین مصادف شده و شترها را با محمولاتشان بسرقت
بردند. ۲۰ نفر قزاقیکه از یزد به بافق فرستاده شده بود
دوچار حمزه غفاتی سارقین شده و تمام دارائی آنها بسرقت
رفته سوای دو قبضه تفلیک و بعضی از اسبهای آنها که داغ
داشته

یزد

اهالی تفت بتازکی ۲۵ نفر سواریرا که برای جمع آوری مالیات بنجا فرستاده شده بود بجد وافر زده ملبوس و تفنگ های آنها را مأخوذ داشته و بعضی از آنها را بعنوان گرو نگاه داشته اند که حکومت تفتیها تیکه بشهر یزد میرواند توقیف نماید . حالاً تفتیها شروع بپاج گرفتن از قوافل نموده اند
گرمانشاد

در اوایل نوامبر ایل کلهر و گوردان وارد سرپل که يك منزلی قصر شیرین است شدند قصد اینکه بصمصام الله لک رئیس ایل سنجایی که حاکم قصر شیرین است حمله بکنند
در ۱۵ اکتبر ۶۴ نفر از سر بازان بزچلو بقونسولخانه آمده و اظهار میدارند تا حقوق دو ساله آنها که عقب افتاده است بانها پرداخته نشود از لجن خارج نخواهند شد . کمیسیون لکری انگلیس مداخله در این امر ننمود ولی حکومت حقوق آنها را تماماً پرداخت و در ۲۱ اکتبر خارج شدند

شیراز

مقارن ۲۰ اکتبر فوج کمره مرکب از ششصد نفر وارد شیراز شد بدین موجب راهپورت و اوصاف ناحیه لار و مرض تاخت و تاز و تعدیات سید عبدالحمین لاری میباشند و مشارالیه اعلان نموده است بر داخل مالیات پشاد حالیه مخالف اعلام است .

سرقتهای متوازه هنوز هم در راه اصفهانی و هم در جاده بوشهر واقع میشود بسیاری در حوالی میوند یست را سرقه نموده و سوردچی کاری را با کمال سببیت و فتول نمودند .

سرقتهای بسیار نیز در حوالی شیر و واقع شده است

(امضاً) مازور استاکس آنا ۹ میلیمتر

(نمره ۲۰۵)

مکتوب سر جارج مارکی به سردار وادگری (واصله در ۲۱

دسامبر) طهران ۴ دسامبر ۱۹۰۸

ق - با کمال افتخار سو دیا دداشتی را که مستر چرجیل

نوشته اند از سال میدرم که مشر در ما اکرای ست که در

شرفیابی ۲۸ ماه گذشته او و مسیو ارنو مسکی بحضور شاه بمیل آمده

مجلس منسوره که تشکیل از اشراف به ترجمانهای سفارتین اطلاع داده و از اعلیحضرت معظم درخواست شد که نوشتن قانون انتخابات را رجوع بان هیأت بنمایند قسمت عمده ان مجمع مشکل از اشخاصی است که دارای نظریات ارتجاعی هستند و اگر شاه متقاعد بداخل نمودن اشخاص ازادپنخواه در ان مجمع نشود انتظار داشتن مساعدت از طرف آنها برای تجدید حیات مشروطیت بهسایده است

(امضاً) جارج بارکلی

مجدد - الآن بر جمعه رقعہ را دیدم که صدر اعظم باعضای مجلس که مسمی بمجلس عالی مملکت است نوشته و امر بااجتماع آنها نموده است . از قرار مذکور وظایف آنها نظارت در امورات وزراء و حکام ولایات است « اوامر و دستوراتی را که اعلیحضرت همیونی رای آنها مقرر فرموده اصناً نموده و اطلاع حاصل نمایند »

(امضاً) ج . ب

ملفوظه در شماره ۲۰

(یادداشت مستر چرچیل)

من و مسیو بارنوسکی را امروز صبح نیم ساعت قبل از ظهر در بالاخانه عمارت باغ شاه که - ابقا محبس مقصرین پاتیکی بوده است شاه بار داد . در موقع شرفیابی بجز شاه و ما کس دیگری حاضر نبود .

مسیو بارنوسکی عنوان نموده که ما از جانب وزیر مختار اکلیس و ژنرال دافر روس شرفیاب شده که از آن اعلیحضرت سؤال کنیم برای ایزاء بمواعید خودشان چه اقداماتی فرمودند شاه جواب داد که جواب او در مقابل این سؤال خیلی و طول است و اوراقی لازم دارد که عجمالتاً حاضر نیست و توضیحاتی که او میخواهد بدهد بحدی منصل است که او وزیر امور خارجه خود را بسعادت اکلیس و روس خواهد فرستاد که آن توضیحات را شرح بدهد

من بشاه عرض نمودم علت اینکه مسیو بارنوسکی و من بحضور آن اعلیحضرت فرستاده شده ایم این است که آن اعلیحضرت

بعضایقه نظریات خودشان را بدون پرده پوشی با اظهار بداند
 قصد ما هم این است که بهمین قسم بدون ملاحظه و بعضایقه
 صحبت بنمائیم و در حقیقت ما تصور میکنیم که میتوانیم با
 اعلیحضرت مشهور بداریم که نظریات و منافع دو تین انکلیس
 و روس با نظریات و منافع ان اعلیحضرت حکم واحد را دارد
 شاه جواب داد من حاضر من بعضایقه صحبت بنمائیم ولی
 اشکال در اینجا است که کسی بن گوش نمیدهد . من اظهار
 نمودم همه کس با ان اعلیحضرت موافقت دارد که مجلس اولی
 بیحاصل بوده و هیچکس میل ندارد ان وضع معشوشی که
 اعلیحضرت شاه انرا خاتمه داده اند اعاده نماید ولی ترتیب حاضره
 هم کلی بهمان بدی بلکه بدتر است و نمیتوان گذارد این ترتیب
 ممتد بشود . شاه تکرار نمود که کسی بن گوش نمیدهد
 و اظهار داشت من قصد داشتم که بمواعید خودم ایضا بنمایم . پس از ان
 من دستخط جدید او را از جیب خود بیرون آورده اظهار داشتم که این
 فرمایش اخیر ان اعلیحضرت با عنوانت در دستخط مخالف است
 ولی شاه حرف من را قطع نموده ورقه مزبور را از من گرفته

و سعی نمود توضیح بنماید که عبارت « حتی ما ذکر ی از چنین
مجلسی نخواهیم نمود » راجع بمجلس سابق است و اشاره فرمودند
که ظاهراً شما خط ابرائی را نمیتوانید بخوانید

بعد از آن مسیو بارنوسکی با کمال مبالغه بشاه اصرار نموده
که ایفاء بوعاید خود که یگانه وسیله اعاده نظم و استقرار
امایش در تبریز است بنماید . بیم تحصن پیوسته هست و هیچ
کس مجلسی مثل مجلس سابق نمیخواهد ولی یک قسمت عمده مردم
جازم هستند که حکومت شوروی داشته باشند . شاه در
جواب اظهار داشت که از طرف دیگر بسیاری از مردم هم
مخالف با آن هستند و اگر امروز من حکم انتخابات را صادر
بنمایم مسلماً فردا خون ریزی خواهد شد . پس از این بیان
من بان اعلیحضرت اظهار داشتیم این بالا ترین دلیل روش انتفاع
شخصی است که در باربان آن اعلیحضرت تعقیب نموده اند .
اگر آنها بان اعلیحضرت عرض نموده اند که مردم مخالف بانمجلس
هستند مطابی را که صحت ندارد عرض نموده اند از این اظهار
شاه همچو بنظر آمد که این اسناد رانه پسندیده و حمایت درباریان

خود فرمایشات تند فرمودند. مسیو بارنوسکی مجدداً بشاه
 اصرار نمود که ایفاء بعهده خود بنماید و همین که شاه از مجلسی
 که فردا قرار است تشکیل بشود مذاکره نمود مسیو بارنوسکی
 اظهار داشت هیئتی که بتوسط خود شاه انتخاب شده اند آن نیست
 که وعده شده است و اعضاء مجلس را مردم بایستی انتخاب نمایند.
 شاه تکرار نمود که اکثریت مردم مخالف مجلس اند مسیو بارنوسکی
 فقط جواب داد که خیر مسئله این طور نیست و دیگر شاه جوابی
 نداد. مسیو بارنوسکی اظهار داشت که بهترین روش از برای
 ان اعلیحضرت این است که بمجمع عالی جدید امر بنماید قانون
 انتخاباتی بشویسند که بتوسط ان مجلس تشکیل داده بشود مرکب
 از وکلای فهیم که در مصالح لازمه و اصلاحات مملکت با وزراء
 معیت بنمایند. مجلس مثل سابق مرکب از کسبه و اشخاص جاهل
 نخواهد بود و هیچ کس مایل بتأسیس انجمنها یا مطبوعات ازاد
 مثل سابق نیست

شاه اظهار داشت در باب این پیش نهاد مرافقه فرموده و با
 آنها تیکه با کمال تشدد مخالف مجلس هستند در این باب مذاکره

خواهد نمود

من اظهار داشته‌ام که اگر خود اعلیحضرت درك بشر مایند که مداومت از تیب حاضره چه قدر خطرناک است و برای منافع خود ان اعلیحضرت چه قدر لازم است که ترتیب جدیدی بدهند و در واقع در ترتیبات جدید پیش قدم بشوند که شروع با اصلاحات لازمه بشود دیگر بهیچوجه لازم نخواهد بود که اعلیحضرت در باغ شاه توقف بنمایند . شاه اکیداً اظهار داشت که من از مراجعت بقصر شهر بهیچوجه خوف ندارم . توقف من در باغ شاه برای این است که من این مکان را دوست دارم . سیویبار نوکی مجدداً اصرار نمود که قطعاً بداند آیا ان اعلیحضرت رأی خود را بر این قرار داده است که هیئت مجلس جدید را بنوشتن قانون انتخابات مأور بنماید و شاه تکرار نمود که پس از تمق در این مسئله و مذاکره با انهاییکه با تشکیل مجلس منتخبه مخالف هستند بتوسط وزیر امور خارجه خود بوزیر مختار انگلیس و شارژ دافر روس جواب خواهد داد

(امضاً) چرچیل

طهران بتاريخ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸

(نمره ۲۱)

تلگراف سر نیکلسن به سرادوار دگری (واصله در ۲۱ دسامبر)
 سن بطرز بورغ ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸
 امروز بعد از ظهر مسیو دوهاردویک بدین منامد و اظهار
 عقیده میکند که اگر پشاه وعده و امیدی داده شود که در
 صورت اقدام فوری برای نوشتن قانون انتخابات به ترتیب منصفانه
 و انعقاد مجلس از طرف دولتین ممکن است مساعدت مالی بان
 اعلیحضرت بشود در این صورت اعلیحضرت معظم در عمل
 نمودن بر طبق نصایح سفارتین تعالی و مضابقه نخواهند کرد .
 عقیده سفارتیه واضح است بر اینکه امتداد اوضاع حاضره منجر
 به هرج و مرج عمومی خواهد شد که مداخله لازم و ناگزیر
 بگردد .

من گمان میکنم مسیو ایسواسکی هم با این نظریات مسیو
 دوهاردویک موافقت داشته باشد

(نمره ۲۲)

تلگراف سر نیکلسن به سرادوار دگری (واصله در ۲۲ دسامبر)

من پترزبورغ ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

مسیو ایسولسکی بمن اطلاع میدهد که اعلیحضرت امپراطور
سفیر مخصوص ایرانرا نخواهد پذیرفت . مسیو ایسولسکی
شخصاً او را ملاقات خواهد نمود و از قرار اظهار خود شان صراحتاً
در باب اوضاع حاضره ایران با او مذاکره خواهد کرد

(نمره ۲۳)

تاکراف سر جارج بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۲۳

دسمبر

طهران ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸

باز هم دیروز از طرف سفارتین اظهارات شد

صدر اعظم ترجمانهای سفارتین را پذیرفت و آنها اصرار نمودند
شاه باید امر بکند یک عده اشخاص خوب به مجلس عالی افزوده
باشوند که قانون انتخابتیرا که قبل از نمایش در هفتم نوامبر اعلیحضرت
شاه در صدد طبع و نشر آن بودند و تفصیلات را در تاکراف
هفتم نوامبر اطلاع داده ام تکمیل بشما باند
انتظار آن هست که شاه ترجمانهای سفارتین را امروز عصر بار بدهد

(نمره ۲۴)

تذکره سرجارج بارکلی به سرادوار دگری (واصله در ۲۲

دسامبر) طهران ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

دیروز شاه ترجمانهای سفارتین را احضار نموده و به آنها اظهار فرمودند که من میل دارم نمایندگان دولتین ملتفت بشوند که من مصمم ایضای عهد خود بوده و مشغول انجام آن بودم که در آنوقت مردم در سفارت کبرای عثمانی متحصن شده و میخواستند من را در اجرای آن مجبور بنمایند و من میل ندارم که در این موضوع چنین بنمایم که در تحت اجبار آنها تقویض شده ام پس از انجام شرفیابی فوق شاه صدر اعظم و وزیر جنگ را احضار نموده بود . بعد از آن صدر اعظم وعده نمود شرحی ترجمان های سفارتین مسوده بنمایند و با مضای او برسد که امروز بوزیر امور خارجه تبلیغ بشود مشعر بر اینکه « اعلیحضرت شاهنشاهی تقبل مینماید که روز بعد از خروج متحصنین از سفارت کبرای عثمانی دستخطی صادر بنمایند که قانون انتخابات بتروسط هیئت منتخبه اعلیحضرت که در مجلس عالی ممالک عضویت

خواهند داشت نوشته بشود « پس از آنکه این دستخط امروز بنمایند کان سفارتین ارائه بشود وزیر امور خارجه باید انرا ضبط بنماید

(نمره ۲۵)

سرکارف سرادوار دگری به سر نیکلسن

وزارت خارجه ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

بتاکراف ۱۸ شهر حال که از طهران عینا پاره شده مرا جمعه

نمائید.

اگر شاه مجدداً مسئله استقراض را عنوان بنماید دولت انگلیس حاضر است که در آن نظری نموده و به پند که آیا ممکن است در اطمینان و ضمانت از فایده و مصرف قرضه صحیحی شرکت و دخالت بنماید و این کار را فقط وقتی خواهند کرد که سفارتین از مسیو بیزو که کاملاً در این مسئله تحقیقات کرده است اطمینان حاصل بنماید که به قیده او این قرضه مطلوب و لازم است و باید داده شود . دولت انگلیس بهیچ وجه از این اندازه

تجاوز نخواهد نمود و تا شاه قانون انتخابات را صادر ننماید و یک

موقع خیلی نزدیکی برای انتخابات معین نماید دولت انگلیس نمیتواند اظهار عقیده نماید . هر حال تا تأییدات کافی از حیث محل مصرف این وجه حاصل نشود و ترتیب مشروطه مستقر نگردد دولت انگلیس مداخله در این مسئله نمیتواند نماید مسیو ایسولسکی را از این نظریات مسبوق نموده و نیز باو اطلاع بدهد که بعقیده ما اگر این اقدام بنظر مسیو بیزو انجام پذیر است بهتر است که اصل مسئله استقرار را متروک داشته حتی در موقعیکه مشروطه هم مرتباً دائر بشود

(نمره ۲۶)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله در ۲۴

دسامبر) طهران ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

وعدۀ صدر اعظم که در تلگراف مورخه ۲۴ دیروز خودم را پورت دادم تکمیل نشده باین جهت امروز ما مجدداً اظهارات خواهیم نمود

تقریباً ۲۵۰ نفر حالا در سفارت کبرای عثمانی متحصن شده اند وزیر مختار اطریش بعضی اشخاص دیگر را که متوسل

بجما ت او شده اند در يك خانه كه وصل بسفارت خودش است
مسكن داده

(نمره ۲۷)

تلكراف سرادوار دگري به سرنيكاسن

وزارت خارجه ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

من ترجيح ميدهم قبل از اينكه مشروطه مستقر بشود
مساعدت پولي به شاه نكنيم (به تلكراف ۲۱ شهر حال خودتان
مراجعه فرمائيد) بعلاوه من صلاح نميدانم كه قبل از فهميدن
نظريات مستشار ماليه ما در اين باب وعده بدهيم

(نمره ۲۸)

تلكراف سرجارج باركلي به سرادوار دگري (واصاه در

۲۵ دسامبر) طهران ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

ترجمانهاي سفارتين ديروز صدر اعظم را ملاقات نمودند
براي اينكه باواظهار و ايراد نمايند كه در ترتيب دادن
تعهدنامه كه او بانها وعده نموده بود قصور نموده ممزي اليه
بر خلاف انتظار سختي و مخالفت اظهار نموده و تمام دلايل قديمه

در باب مخالف بودن انتخابات عمومی با شرایع اسلام را اقامه نمود . در موقعیکه ظاهراً شاه مشرف به تمکین نمودن باظهارات ماست دلیل این تغییر حالت صدر اعظم را نمیتوانیم درک بنماییم

هتخصنین در سفارت اطیش خارج شدند ولی هنوز دو بیست و پنجماه نفر در سفارت کبرای عثمانی هستند و از خارج شدن امتناع دارند اگر چه من روز چهار شنبه از اطمینانهای شاه به شارژدافر عثمانی اطلاع دادم
(نمره ۲۹۵)

تلکراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله در ۲۶ دسامبر)
طهران تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

و جوع به تلکراف ۲۱ دسامبر سر نیکلسن

اظهار امیدواری نمودن ما در باب استفراض فقط نائیرانی بشاه نموده (بتلکراف ۱۷ شهر حال من مراجعه شود) و من گمان نمیکنم که قاعده در این موضوع ما بتوانیم بیشتر تجاوز نمائیم

در باب اوضاع من نمیتوانم بجز تشویش احساس دیگری بنمایم
 آنچه بر من معلوم شده ممکن است مردم هر آن بازارها را به
 بندند و این برای اقدامات قهریه بهانه برای شاه خواهد شد
 من تصور میکنم حالا موقع آن رسیده است که بطریق مشدد
 تری اظهارات بنمائیم چونکه نتیجه نصایح مصره ما در واقع
 تا حال هیچ نبوده . من پیش نهاد مینمایم که نماینده های
 دولتین در خواست باریافتن بحضور شاه را نموده و خاطر نشان
 ان اعلیحضرت بنمایند که یگانه طریق اسکات هیجان و انقلاب
 حالیه انفصال صدر اعظم و وزیر جنگ از هیئت های مشاوره
 است و بزودی رجوع کردن به یک هیئت کافی نوشتن قانون
 انتخاباتیرا که ان اعلیحضرت به ملت خود و نماینده کان دولتین
 وعده نموده است . و نیز اعطای عفو عمومی به اتباع خودش که
 در ایالت اذربایجان در تحت صلاح هستند و اگر این اقدامات
 را ننماید دولتین نتیجه خواهند گرفت که ان اعلیحضرت بکلی
 از بیروی نصایح آنها امتناع بورزد و او را بحال خود خواهند
 گذاشت که بدون اینکه دیگر باو نصیحتی بنمایند و معبئی با او

دائمه باشند خودش امورات را با مات خود ختم نماید

(نمره ۳۰)

تلکراف سرجارج بارکلی به سراد وارد کری (واصله در غره

ژانویه)

(اصفهان)

بموجب تلکرافیکه از جنرال قونسول انگلیس بمن رسیده در

اصفهان هیجان عظیمی است

مسیو سبلین به من اطلاع میدهد که یک عده مردم از یک

بابت برای هیجان ملی و از بابت دیگر برای تعرض و پرتست

نسبت بحکومت در جنرال قونسولگری روس متحصن شده اند

(نمره ۳۱)

تلکراف سرجارج بارکلی بسراد وارد کری (واصله در ۳

ژانویه) طهران ۳ ژانویه ۱۹۰۹

(اصفهان)

در تعقیب تلکراف غره شهر جاری خودم بمبادرت مینمایم که

جنرال قونسول انگلیس مقیم اصفهان را بپورت میدهد که دیروز

بین قشون و مخالفین مجادله واقع شده . معلوم نیست تلفات چقدر بوده . سر بازار نیکه بواسطه بی قدرتی صاحبمنصبان عنان اختیارشان از کف ساقط شده قسمت زیاد تر بازارها را غارت نموده اند . الحال هرج و مرج کامل در شهر احاطه دارد حاکم و سایر مأمورین محلی در جنرال قونسولگری انگلیس متحصن شده اند . امروز انتظار ورود صمصام السلطنه ایلخانی بایک عده بختیاری هست که استعداد خود را به استعداد مخالفین دوات ملحق خواهند نمود . از قرار بکه مستر گرهم دیشب تلگراف نموده بود خطر عاجلی برای اتباع انگلیس تصور نمی نماید . علی الظاهر علت عمده این هیجان و نجس از حکمران است و در بدو استماع این انقلاب من بدولت ایران تأکید نمودم که باهالی ناراضی یک نوع اطمینانی بدهند که باعث اعاده نظم بشود امروز صبح من و سیوسباین با قونسولهای خود مان مختیره حضوری داشتیم و نتیجه آن این شد که یادداشتی بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم نموده و در عزل آن حاکم بی کفایت و احضار آن بدترین افواج بدعمل و انویض مهمام حکومت به ایلخانی اصرار نمودیم

ماددوات ایران را برای خسارات انگلیس و روس مسئول قرار
دادد ایم

(نمره ٣٢٥)

مکتوب سر نیکاسن به سرد وارد کری (واصله در ٤ ژانویه

١٩٠٩) من پترزبورغ ٢٥ دسامبر ١٩٠٨

آقا - دیروز بعد از ظهر محمود خان علاءالملک ایلیچی مخصوص

ایران به دیدن من آمد. معزی الیه بمن اطلاع داد که مسیو ایسولسکی را

ملاقات نموده ولی نتوانسته است خدمت امپراطور شرفیاب شود چون

اعلیحضرت، معظم برای تسلیت فوت گران دوله الکسیس کسی را

نمیپذیرد. پس از آن محمود خان شروع به بیان شرح مفصلی در

تخطیات مجلس سابق ایران نموده و در عدم لیاقت آن و اغراض

فاسده شخصی اعضاء آن و مداخله در امور اجرائیات را جمعه

بدولت و سایر اقدامات سوء که بکلی باعث بی اعتباری آن در تمام

مملکت شده بود تذکره نمود. او اظهار نمود که کلیه سبک روش

مجلس و بی نظمی که در عرض مدت انعقاد آن در مملکت واقع شده

بود و بضمیمه اقدامات هر چه و هر چه کارانه انجمنهای پاتریستی بالصراحه

اشکار نمود که ایران برای مجلس نمایندگان بطرز جدید مستعد نیست
وضع منقلبه اذربایجان را بهیچوجه هیجان آزادی خواهانه در
تأیید مشروطه باعث نیست بلکه اشوب طای ستار خان دزد
بمیت يك عده راه زنان و قاچاقهای قفقازی مؤسس آن شده است
دادن یا ندادن مشروطه بایران هیچ اثری در اقدامات ستار خان
و متابعین او نخواهد نمود

محمود خان اظهار داشت که مساماً شاه با يك مشروطه مسامحه
است بلکه تمام ایرانیان صاحب افکار صحیح این عقیده را دارند ولی
متأسفانه دو اتمین بتوسط نمایندگان خودشان در طهران ان اعلی حضرت
مزبور را نصیحت مینمایند که فوراً مشروطه را اعطا بنماید
حتی قبل از انتظام اداره مملکت که در حال هرج و مرج است
اولین احتیاج ایران این است که مالیه آن به مبنای بهتری مستقر
بگردد و احتیاج خیلی فوری دوم آن اصلاح تمام ادارات مملکت
است . همینکه دوائر مختلفه دوات رفورم شد و اداره دولتی
منظماً بکار افتاد انوقت ممکن است مجلس تأسیس بشود در صورتیکه
بتوان اشخاص کافی برای عضویت آن بدست آورد . دوات

انگلیس در هندوستان و مصر یک نوع اسلوب حکومت قابل تحسینی تأسیس نموده است ولی خود تصور اینرا نمیکنند که هنوز موقع آن نرسیده که به هندوستان یا مصر مشروطه به ترتیب جدید اروپا اعطا بنماید و ایران خیلی از هندوستان و مصر عقب تر است . ما میخواهیم خانه به بجه بسازیم حتی قبل از اینکه بنیاد اثر بقاعده نهاده باشیم . تجریبات حاصله از مجلس سابق باعث یأس و حرمان کلی تمام طبقات تجار و مردمان بامدرک مملکت شده و دهقانان هم که از مجلس چیزی ملتفت نبودند هیچ مایل به تشکیل آن نیستند اگر دو تین شاه را مجبور به ترتیب قانون انتخابات و تشکیل مجلس بنمایند مجدداً مملکت را در گرداب انقلاب غوطه ور نموده و هر دو دولت مجبور بمداخلات عملی در امور داخلی ایران خواهند شد و اظهار داشت میدانم نه دولت انگلیس و نه دولت روس مایل به اتخاذ هیچ روشی میباشد . مشارالیه الحاح نمود دولتینیکه او میداند صمیمانه خواهان نفع و خیر ایرانند خوب است مساعی جمیله خود را در اصلاح مالیه بکار بیاورند و مساعدت پولی بادولت نموده و در اصلاح کلی دوائر اداره مملکت اصرار بنمایند البته

نصیحت و مساعدت آنها در این موضوعات قدر و قیمت فوق العاده خواهد داشت ولی میترسم که اگر دولتین در چیزیکه هنوز موقعش نرسیده و ممکن است خطرناک واقع بشود کماکان اصرار بنمایند منظور اتیرا که در نظر دارند ضایع و معکوس بگردند من گمان میکنم شرح فوق مجموعه کاملی است از آنچه محمود خان بمن اظهار داشته است . من صحبت او را قطع نمودم چون میخواستم هر چه در خاطر دارد بگویم ولی پس از ختم کلام او من اظهار داشتم که با عنوانات او نمیتوانم موافقت داشته باشم . اولاً شاه بدولتین قول صریح داده که بعضی اقدامات معین را مجری بدارد تا حال در وفا نمودن باین قول خود قصور ننموده . عقیده من این نیست که قسمت بیشتر مردم با مجلس مخالف باشند برعکس من یقین دارم که آنها مشتاقانه طالب آن هستند و اگر مشروطه عطا نشود تجدید انقلاب خواهد شد . احتمال کلی دارد که مجلس سابق نواقص و معایب بسیار داشته ولی من یقین دارم که در بین طبقات تربیت شده و تجاریك عده كافی اشخاص پیدا خواهند شد که لایق وکالت باشند و برای اشخاص لایق که در ایران هم از

انها موجود است ممکن است يك قانون انتخاباتي طرح نمایند که باعث انتخاب نمایندگانی بشود که شوق و میلی به نیک بختی مملکت خود داشته باشند . مختصراً اینها نکاتی بود که البته کسانی که در آن نقطه حاضر بوده اند خیلی بهتر از من میتوانند تمیز آنرا بدهند

ولی آنچه من میتوانم بشما بگویم این است که نه دولت روس و نه دولت انگلیس از روشی که عجزالتاً تعقیب مینمایند منحرف و منصرف نخواهند شد . بالاخره من زایشان سؤال نمودم که نقشه و خیالشان چیست . مشارالیه جواب دادند که عنقریب به پایتختها و اروپا گردشی خواهند نمود
اعضای انیکلسن

(غرّه ۳۳)

تلکراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در

۴ ژانویه) طهران ۴ ژانویه ۱۹۰۹

مجلس اصفهان

تلکراف مورخه دیروز جنرال قونسول انگلیس مقیم

اصفهان مبنی بر این است که در جنگهای گاه بگاهی که روز و شب
 ممتد بوده چندین نفر سر باز مقتول شده . حاکم آوشش
 نموده که با مخالفین خود ترتیب صلحی بدهد . خبر رسید
 که امروز ظهر دو یست نفر بختیاری دیگر داخل شهر شده اند
 و غروب کار گزار به مستر کرهم اطلاع داده است که ضرغام
 السلطنه اعلام داشته است که تا ورود مصمص السلطنه که روز
 دوشنبه خواهد بود حکومت شهر را خود او خواهد نمود
 اهالی مصمص السلطنه را بمنزلهٔ بکانه دلیر ملی خواهند پذیرفت
 یک جمعی از همراهان و حشمت زده اقبال الدوله و قسمت
 بیشتر دو فوج در همان شب بجنرال قونسلگری ریخته اند .
 مستر کرهم راپورت میدهد که جمعیت مزبور در تحت سلطه
 وانتظام هستند

(نمره ۳۴)

نلکراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصافه در

۴ ژانویه) طهران ۴ ژانویه ۱۹۰۹

(اصفهان)

بموجب تلگراف واصله از جنرال فونسول انگلیس امروز
صبح اهالی شهر و سایرین دیوانخانه حکومت را غارت نمودند
حاکم مستعفی گردیده و استعفای او قبول شده

(نمره ۲۵۵)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در
۵ ژانویه) طهران ۵ ژانویه ۱۹۰۹

(اصفهان)

امروز صبح من و مسیو سپاین تلگراف حضوری دیگری
باقونسولهای اصفهان خودمان داشتیم
ایلخانی با هزار نفر بختیاری شهر را تصرف نموده . معزی
الیه به تجارت خانهای خارجه مستحقفظ کمارده و مشغول حفظ
نظم است . شهر آرام است و سر بازهای ایرانی متفرق
شده اند . دو نفر از مأمورین محلی را که هر دو آنها
بیفایده هستند شاه به نیابت حکومت منصوب نموده و یکی
از آنها نا حال از قبول این شغل امتناع نموده

من و همکار روسی خودم امروز مجدداً تأکید نمودیم که
ایلخانی موقتاً بحکومت شهر منصوب بشود چون یگانه قوه که
از عهده استقرار نظم برآید اوست و به ان اعلیحضرت اطلاع
دادیم که ما بقوانسولهای خود مابین تعلیمات خواهیم داد که ایلخانی
را برای نگاهداشتن نظم عمومی و تأمین اتباع انگلیس و روس
مسئول قرار بدهند

(نمره ۳۶)

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادورد کری (واسعه در
ه ژانویه) طهر ان ه ژانویه ۱۹۰۹
(تبریز)

ماتیان عایدات مخبرات داخله ازسیم کمپانی را از تلگرافخانه
هند و اروپا مطالبه نموده اند و باین جهت مخبرات داخله تعطیل
شده است . ماتیان حلاً تخویف نموده اند که اگر مخبرات
داخله مجدداً مفتوح نشود امتیاز کمپانی راجع به اذرا ایجان را
فسخ خواهند نمود . اداره لندن بوکیل کمپانی مقیم
نبرن اجازه داده اند که مخبرات داخله را مفتوح بنمایند ولی

ملتیان اظهار میدارند که اگر عایدات بانها پرداخته نشود سیم‌ها را قطع خواهند نمود . رئیس کمپانی تلگراف در اینجا برای تحصیل اجازه معمول داشتن این امر بدولت ایران مراجعه نموده و اخطار نموده است که اگر سیم‌ها قطع بشود خسارت آنرا از دولت مطالبه خواهد نمود

مسئوسبیلین و من بقوفسواپهای تبریز خودمان تعالیمات داده‌ایم که بملتیان تأکید نمایند که تأمل کنند تا این مسئله در طهران ختم بشود چون سمارتین مشغول مذاکره هستند و از تسلیم و غیمه این امر آنها را مستحضر بدانند که اگر سیم‌ها قطع بشود باعث اختلال مخابرات بین‌الملل خواهد شد اگر لازم بشود من و شارژدافر روس در اینجا کمپانی را تقویت خواهیم نمود

(نمره ۳۷۵)

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۶

ژانویه) طهران ۶ ژانویه ۱۹۰۹

(اصفهان)

در جواب اظهاراتیکه من و همکار روسیم در سوم شهر حال
 بشاه نمودیم و شرح انرا در نلو تلگراف سیم ژانویه خودم
 را پورت دادم اعلیحضرت معظم اظهار داشت که باپاخانی
 اطمینان ندارد و پیروی نصیحت ما را ننموده معزی الیه را
 بحکومت اصفهان منصوب نخواهد نمود نتیجه اهتمام شاه در
 تعیین شخص دیگری بحکومت ممکن است باعث این بشود که یک
 وضع مشابه بوضع تبریز هم در اصفهان تولید بشود و اپاخانی
 حالیه عملاً حاکم است

(نمره ۳۸)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله در ۶

ژانویه) طهران ۶ ژانویه ۱۹۰۹

سمت الدوله بوزارت امور خارجه منصوب گردید

(نمره ۳۹)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری « واصله در

۷ ژانویه » طهران ۷ ژانویه ۱۹۰۹

« راجع بتلکراف دیروز من در باب اصفهان »

شاه فرمانها را بحکومت اصفهان تعیین نموده ولیکن نواب
معظم سریعاً براسی این مأموریت خود حرکت کردنی نیست
او نایب الحکومه باتفاق سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی
سردار ظفر و سایر رؤسا روانه خواهد نمود

انچه حالیه قرار داده اند این است که تا یکی دو روز دیگر
از طهران حرکت کنند

واضح است که شاه امید دارد باین وسیله تخم مخالفتی مابین
بختیار بان بکارد

(نمره ۴۰)

تلکراف سرچارج بارکلی به سراد وارد گری (واصله در ۷
ژانویه) طهران ۷ ژانویه ۱۹۰۹

راجع بتلکراف دیروز من در باب اصفهان

بموجب اطلاعات واصله بجنرال قونسول انگلیس خوانین
بختیاری باهم متفق شده و متوجه به مقابله نمودن با فرمانها
هستند که از قراوند کور با چهار فوج و نوب در صدد حرکت

بطرف اصفهان است

مستتر گرهم اوضاع را خیلی اهمیت میدهد چو نکه تصور
 میکنند در صورت مخاصمه و مخالفت جان و مال اتباع خارجه در
 خطر خواهد بود

من در صدد هستم که حتی القوه اوضاع را به ترتیب مصالحانه
 ختم بنمائیم

(نمره ۴۱)

تلکراف سرجارج بارکلی به سراد وارد کری (واصله در ۸
 ژانویه) طهران بتاريخ ۸ ژانویه ۱۹۰۹

« تبریز »

در طی تلکرافی مورخه دیروز جنرال قونسول انگلیس مقیم
 تبریز راپورت میدهد که در ۶ شهر حال انجمن محلی نماینده بکمرک
 خانه فرستاده اند که در عایدات انجا نظارت بنماید

« نمره ۴۲ »

تلکراف سرجارج بارکلی به سراد وارد کری (واصله در ۸
 ژانویه) طهران ۸ ژانویه ۱۹۰۹

معروف است که شاه در صدد تجدید اشاعه دستخط مورخه
 ۲۲ نوامبر خودش بضم مشروطه است . اوضاع از بد به بد
 تر متمایل است . اگر در معامله با وضع اصفهان اعلیحضرت
 معظم پیروی نصیحت ما را نموده بود یا حتی حالا هم مایل به
 پیروی از ما میبود یحتمل ممکن میشد که بالاخره مصمصام السلطنه
 را راضی بمر اجرت نمود ولی اعلیحضرت مزبور همانطور که در
 نصایح ما در باب سایر مسائل خود راثی نموده در این مسئله هم
 بوضع خود رأیانه خویش مستدام است . من تردید دارم
 که با این وضع فلاکت و بی پولی او بتواند قشون باصفهان پرستد
 و یا اگر هم قشون باسجابرود احتمال فایق آمدن آنها باشد
 غیر ممکن نیست که پس از اقدامات قهریه مصمصام السلطنه در
 اصفهان این عمل بختیار را سایر طوایف هم تعقیب بنمایند یعنی
 ایل کلهر در کرمانشاه و ایل قشقائی در شیراز . اگر چه ممکن
 است وقت آن گذشته باشد که بوسیله اعطای مشروطه که برای
 مساعدت پولی مآثر طحتی است از ازدیاد هرج و مرج جلوگیری
 بشود و لهذا من تصور میکنم استقرار تیب مشروطه یگانه آمد

دفع حوادث مهمه ایست که عاقبت آنرا بطور یقین نمیتوان پیش بینی نمود. ولیکن اشحوادث مهمین است باعث تجزیه و قطعه قطعه شدن ایران بگردد یا اینکه لا اقل شاهرا مقهور و مجبور باجرای فرمایشات ملتیان بنماید

« نمره ۴۳ »

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری « واصله در

۸ ژانویه ۱۹۰۹ طهران ۸ ژانویه ۱۹۰۹

« اصفهان »

جنرال فونسول انگلیس واپورت میدهد که صمصام السلطنه اعلانی بین اهالی اصفهان منتشر نموده است مبنی بر اینکه اگر اهالی در عرض سه روز نمایندگان خود را برای انجمن مشروطه محلی انتخاب نمایند بختیارها سه نفر علمای اعظم را برداشته از شهر خارج خواهند شد و اهالی را باراده شاه و سربازان وا میکنند

بختیارها شهر را منکر بندی نموده

« نمره ۴۴ »

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری « واصله در ۹
ژانویه » من بطرز بودغ ۹ ژانویه ۱۹۰۹

من امروز مسیو ایسولسکی را ملاقات نمودم و در باب
اوضاع عمومی ایران که همچو مینماید که تمام مملکت در جالتی
است که ممکن است منتهی به تجزیه بشود با او صحبت نمودم
عقیده او بر این است که یک اقدامی باید بشود که از استقرار
حکومت مستقله در تبریز و اصفهان جلوگیری بشود و میل
دارد نظریات شمارا بداند که با اوضاع این دو شهر چه شکل باید
معامله نمود

(نمره ۴۵)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۹
ژانویه) طهران ۱۹ ژانویه ۱۹۰۹

در تلگراف ماقبل خودم در باب اوضاع اصفهان من از ایلیخانی اسم
برده ام

اگر معزی الیه را صمصام السلطنه بخوانیم صحیح تر خواهد بود

چون از فراریکه حالا من استدر اٹک نموده ام از چند هفته قبل
شاه اورا از اینخانی گری متفصل نموده

بصمصام السلطنه پیغامی بفرمانفرما فرستاده که بدون پرده پوشی
هو اخواه و طرفدار مقصد ملیون است فرمانفرما از شارژ
دافر روس و من خواهش نموده که امروز بعد از ظهر مارا دیدن
بنماید نواب معظم از من خواهش خواهد نمود که به بصمصام
السلطنه اصرار بنمایم از اصفهان خارج بشود و تجدید آمین او به
اینخانی گری، نوط بخارج شدن از اصفهان است عجبالتاً من باتفاق
شارژ دافر روس خود را محدود باین نموده ایم که به قونسولهای
خودمان تعلیمات بدهیم که بصمصام السلطنه اطلاع بدهند برای
نگاهداشتن نظم اعتماد ما باوست

من قصد دارم بفرمانفرما اطلاع بدهم که بدون تعلیمات
جدید از وزیر امور خارجه، من صلاح خود را نمیدانم بصمصام
السلطنه صلاح اندیشی دیدری بنمایم

«نمره ۴۶»

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوار دگر پیے «واصله در

۹ ژانویه « طهران ۹ ژانویه ۱۹۰۹

(وضع آذربایجان)

بوجب تلکراف واصله از مستر راتیسلا قریه سرد رود را
که بتازگی ملتیان تصرف نموده بودند در ۷ شهر حال تخلیه نمودند
دولتیان هجوم آورده و چند افسری که در دست ملتیان بود
مستخلص و تخت نمودند

این مجادله را در طهران بزرگ نموده و یک فتح عظیمی از
طرف دولتیان جلوه داده اند

(نمره ۴۷)

تلکراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری ا واصله در ۹

ژانویه (طهران ۹ ژانویه ۱۹۰۹

رجوع بنلکراف امروز من در باب اصفهان

۱۵ ملاقات امروز بعد از ظهر ما فرمانفرما بمن و همکار روسیم
اظهار داشت که اگر صمام السلطنه مقاومت ننماید میترسم دامنه
اغتشاش و سعت حاصل نماید . از طرف دیگر اگر ممکن
بشود که صمام السلطنه متقاعد بر جعت بشود عقیده من بر این

است که بتوانم انتظام و اسایش را مستقر بدارم . فرمائید ما
 اظهار میدارد که نایب‌الحکومه او بمیت ۴۰۰ نفر بختیاری فردا
 از طهران حرکت خواهد نمود . از قرار مفهوم نواب معظم
 بخیال این است که چند هفته دیگر بسرگردی يك عده کافی
 قشون برای مقابله با قشون بختیاری حرکت بنماید

« نمره ۴۸ »

تلگراف سرچارچ بارکلی به سردار دگری « واصله در ۱۰

ژانویه » طهران ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹

— اصفهان —

جنرال قونسول انگلیس دیروز با مصمص السلطنه ملاقاتی
 نموده و حسیات صلح امیز مطیعانه خود را اشکار داشته و اظهار
 داشته است که اگر برای حقوق مشروطه مردم اصفهان و تأمین
 شخصی خودش باوضیحات داده بشود برای مراجعت حاضر است
 مختصراً مصمصام نیز اظهار داشت که اسکرا شاه قشون بمقابله او
 بفرستد نه او میتواند اهالی اصفهان را ترک بنماید نه هم آنها از او دست
 بر خواهند داشت

من در صدمم که مفاد شرح فوق را با اطلاع شاهزاده
فرمانفرما برسانم

مستر « کرهم » راپورت میدهد که آقای شیخی که یکی از
پیشوایان مخالفین دولت است از خوف غضب شاه با بختیاری قطع
اتصال نموده و بطرف طهران عزیمت نموده

(نمره ۴۹)

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری « واصله در ۱۱
ژانویه » طهران ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

« جرج و جوع بتلگراف ۸ شهر جاری من در باب اصفهان »
مستر کرهم از اصفهان راپورت میدهد که نظم بنهایت رضایت
بخشی مستقر گردیده و روز شنبه مجمع عمومی بقصد انتخابات
تسکیل یافت

« نمره ۵۰ »

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد کری « واصله در
۱۳ ژانویه » طهران ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

﴿ اصفهان ﴾

ما بین دو یست الی سبب نفر بختیاری با رؤسای خودشان
 دیروز از اینجا بطرف اصفهان عزیمت نمودند
 از قرار مفهوم مقصد این است که اینها خانه و علاقه مصمم
 السلطنه را تهدید نمایند ولی تمام اطلاعاتیکه بمن رسیده همچو
 مستفاد میدارد که خیلی کم احتمال می رود آنها داخل در محاصره
 بضدا و بشوند

نایب الحکومه شاهزاده فرمانفرما امروز بطرف اصفهان
 حرکت خواهد نمود

« نمره ۵۱ »

تلگراف سرجارج با رکلی به سرادوردگری « واصله در ۱۳
 ژانویه » طهران ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

﴿ اوضاع آذربایجان ﴾

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا جنرال قونسول
 انگلیس قشون شاه در جاده نزدیک جلفا مشغول قطع مخابرات
 و مخابرات هستند پست اخیرا که از اروپا میامده گرفته و بنارت

برده اند همچو مینمایند که قصد شاه این باشد که بواسطه ترتیب محاسره
دور شهر تبریز را دو چار قطع و غلا بنماید هیزم و ذغال
تقریباً نایاب است و قیمت هر چیز رو بگرانی است . در اعراف
سلاماس و خوی چنگ در کار است

(نمره ۵۲)

تلگراف سراد وارد کری به سر نیکاسن

وزارت امور خارجه ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹

در جواب تلگراف ۹ شهر حال شما دولت انگلیس مخالف
با هر نوع مداخله در باب وضع تبریز باصفهان است . ما از این
خیال منصرف نشده ایم که اعطای مشروطه را یکی از وسایل
خیلی مهم اعاده نظم بدانیم و ممکن است که اغتشاش در آرد و
نقطه اثر مفیدی بشاه بنماید که در اعطای یک همچو مسئله قیام بنماید
مادامی که در دولت شاه هیچ رفودتی نباشد هیچ پیشرفتی که
متضمن ترتیب دائمی باشد حاصل نخواهد شد و در صورتیکه هر
پیش نهادی از طرف دولت روس بشود دولت انگلیس با نهایت
دقت آنرا تحت ملاحظه قرار خواهد داد ، باین عقیده دستگیر

که پول دادن بشاه با اینوضع حالیه بدتر از بی نتیجه بودن است
و بیشتر باعث مداخله در امورات داخلی ایران خواهد شد .
چون محتمل است يك همچه پولی برای خاموش نمودن هیجان
ملی که بطرف داری مشروطه جاری است صرف بشود بهلاوه
وقتیکه این پول صرف شد اوضاع اگر بدتر نشود بهمان حال
بدی سابق باقی خواهد بود

(نمره ۵۴)

تلگراف سرچارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۶
ژانویه) طهران ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹

وضع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از جنرال فونسول انگلیس مقیم تبریز
دیروز مجادله مختصری بین ملتیان و قشون حاکم مراغه
در خارج شهر واقع شده . مدمات وارده چندان مهم نبوده
اعتقادات بر این است که بین الدوله منتظر رجعت رحیمخان است و او
از محل خود حرکت ننموده

در مکتوب خصوصی که مستر رائیسلما ماه گذشته نوشته

اشعار داشته بود « یحتمل مردم هنوز يك قرارداد مساعدی را قبول بکنند ولی ان نباید مدت طولانی بتأخیر بیفتد » اصلاح بین دودسته محتمل است بواسطه مجاهدات جدیده قشون بی نظم شاه مشکل تر بشود و مجاهدات آنها نیز اسباب بی نظمی هم میشود

« نمره ۵۴ »

تلگراف سر جارج بارکلی به سرادوار دگری « واصله در

۱۷ ژانویه » طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

﴿ وضع اذر بایجان ﴾

در تعقیب تلگراف قبل از این خودم اطلاع میدهم که جنرال قونسول انگلیس راپورت میدهد که در ضمن تخصیصات نسبتاً سخت تری که دیروز در خارج شهر واقع شد ماتیان ظاهر یافتند . آنها در قطع رابطه بین قشون عین الدواه و قشون حاکم مراغه موفق شدند

« نمره ۵۵ »

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار دگری « واصله در

۱۸ ژانویه » طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

اقا - در طی تکرافات چند روزه، ماضی خودم تشکیل مجلس شورای مملکتی را که شاه داده راپورت داده ام و الحال با کمال احترام ترجمه قواعدی که برای کار کردن این مجلس وضع شده و وزیر امور خارجه غیر رسماً آنرا برای من فرستاده لذا ارسال میدارم در این ورقه هیچ اسمی از اعضاء این هیئت برده نشده ولی از قرار منبهم عمده مشاورین آن باید شصت نفر باشند که چنانچه در مکتوب و شهر جای خودم راپورت داده ام پیش تر از آنها تا حال برای تشکیل مجلس نامزد شده اند

از قواعص صادره حالا ملاحظه میشود که قدرت زیادسیه باعضاء داده شده . حقیقتاً اگر يك شاعری می بود که در معاضدت با عمل اصلاحات حاضر و نواتا باشد و يك اعضاء مشاوره می بودند که عقل و حرثت بکار بردن قدرت خردشان را میداشتند مسلم بود که ران حالیه يك همچو مجلسی براسیة احتیاجات مملکت مناسب تر از مجلس نمایندگان مردم می بود بدبختانه هیچ يك از این شرایط موجود نیست . دلایل بسیار خوبی است که این تصورات هست که شاه در صدداست

بواسطه اعطای این مجلس چشم سفارتین را به بند و الاوت نهایت
 جایی را دارد که در حکومت خالصان درباری که باعث نکبت
 مملکت پس از حوادث در ماه ژوئن شده اند تغییر مفیدی بدهد
 از قرار معلوم تعیین عدد اعضای مجلس هنوز تکمیل نشده ولی
 من تصور میکنم تشکیل تاحال آن برای درک نمودن مقصود از
 تأسیس آن کافی باشد

لازم نیست که خاطر محترم را برای ارسال صورت اسامی
 آنها تصدیق بدهم . همینقدر بس است عرض بکنم که
 قسمت بیشتر آن مرکب از مردمان جاهل ارتجاعی است .
 آنچه من ملاحظه میکنم یکی دو نفر عضولایق صاحب رای در انجا
 هست ولی از قراریکه بمن مذکور داشته اند آنها هم این مجلس را
 بک چیز لغوی میدانند

قبل از اینکه علاء السلطنه سواد نظامنامه جدید را بمن بدهد
 من و همکار روسیم درخواست بار یافتن مستر چرچیل و مسیو
 بارانوسکی را نموده بودیم برای اینکه از شاه سؤال بشایند
 رای خود را باتخاذ چه اقدامی بجهت ایمانی بعهدهات خود قرار

داده . چنانچه مستحضرید اعلیحضرت معظم برای طفره
از این بار دادن بعد از کسالت مزاج متعذر گردید . معلوم
بود که قدری تأخیر باید واقع بشود همینکه نظامنامه مرئی
گردید ما چنین مقتضی دیدیم که باید بدون دفع وقت بشاه توضیح
بنمائیم که تشکیل مجلس مشاوره جدید را ما نمیتوانیم بمنزله تکمیل
معاهدات او تصور بکنیم بنا بر این من و همکار روسیم رأی
خود ما را بر این قرار دادیم که یاد داشت مشترکی در این
موضوع بان اعلیحضرت تقدیم بنمائیم

— واد مراسم مزبور را که دیروز بتوسط وزیر امور خارجه
باعلیحضرت معظم تقدیم شده ثماً ارسال میدارم

(امضاء) جارج بارکلی

ملفوظه نمره ۱ در نمره ۵۵

نظامنامه مجلس شورای مملکتی

بسم الله الرحمن الرحيم

(بعد از مقامات دیل و ارزوی شاه)

« برای رفاهیت و نیکبختی عامه »

در ۲۶ نوامبر ۱۹۰۸ مجلسی برای بسط عدل و مرتفع داشتن جور و ستم و جلوگیری از نقض شرایع اسلام در دربار تشکیل یافت اختیار اینکه بمجلس شورای مملکتی تفویض شده

ماده اول - نظارت بتمام وزارتخانهها با اختیار تفتیش و شور در امورات بتوسط کمیسیوني از اشخاص مجرب بصیر بامور شعبات مختلفه که از بین اعضاء مجلس انتخاب بشوند

ماده دوم - نظارت در مالیات و مخارج به ترتیب مصرحه

در ماده اول

ماده سوم - هر يك از وزراء باید دستور راجع بوزارتخانه خود را نوشته نزد مجلس بفرستند . در صورت تصویب

نمودن مجلس و کابینه آن دستورات بتوسط صدراعظم بشاه تقدیم خواهد شد که در صورت تصویب بامضاء خود موشح بنمایند

ماده چهارم - مجلس حق دارد که در صورت لزوم وزراء را احضار بنماید و اگر هر وزیري نتواند حاضر شود معاون خود را باید بفرستد که در باب امور توضیح بدهد

ماده پنجم - محتمل است که مجلس وزراء را متهم به نقض

قوانین اسلام یا اخذ شود یا سایر تقصیرات بنماید . در این صورت
 کمیسیون از مجلس تشکیل داده خواهد شد که در حضور صدر اعظم
 و با اطلاع وزراء در انبواب تحقیقات بنمایند . در صورت
 ثبوت تقصیر مجازات و عزل انوزیر از شاه استدعا خواهد شد
 ماده ششم - دستورات واجع بمالیات مملکت باید بدایتاً
 باطلاع صدر اعظم بمجلس پیشنهاد شود

مجلس اختیار دارد که انرا جرح و تعدیل نموده و ملاحظات
 و اصلاحات خود را بتوسط صدر اعظم بشاه پیشنهاد نموده
 استدعای صدور رأی قطعی در ان باب بنماید

ماده هفتم - مجلس شورای مملکتی در عرض سال مطابق
 امر شاه در انتهای معینه منعقد و منفصل خواهد شد

ماده هشتم - - اعضاء مجلس نباید در خدمات دولتی اشتغال
 داشته باشند و اگر هر يك از اعضاء قبول استخدام دولتی را بنماید
 باید از عضویت مجلس مستعفی بشود و عضو دیگری بر حسب امر
 ملوکانه بجای او تعیین خواهد شد

ماده نهم - - اگر امر مخفی باشد صدر اعظم و وزراء مسؤل

مجبور بمذاکره عانی ان نیستند و کبیسیدنی با اکثریت ارا ممکن است

از مجلس انتخاب بشود که در باب ن مسئله مذاکره بنمایند

مادهٔ دهم - تمام جلسات و مذاکرات مجلس عانی است

و با حضور تمام اعضاء ان منعقد خواهد شد سواپی مواقعی که در

مادهٔ نهم ذکر شده (ملاحظه)

مادهٔ یازدهم - اعضاء مجلس میتوانند که عرایض و اظهارات

مربوط بمجلس را بتوسط صدر اعظم بشاه تقدیم بنمایند

مادهٔ دوازدهم - راجع بعرایض است

مادهٔ سیزدهم - راجع بازادی مطلق اعضاء از نفوذ است

مادهٔ چهاردهم - اعضاء مجلس را براسی نطق و اظهارات

نیتوان تعقیب و جلب بحاکمه نمود ولی در مواقعی که از نظامات مجلس

تخطی بنمایند بر طبق همان نظامات با انها معامله خواهد شد

مادهٔ پانزدهم - آزادی مطلق اعضاء در رأی دادن

مادهٔ شانزدهم - پیش نهادت راجع باصلاح دستورات

* (معنی این ماده این است که مذاکرات و جلسات در حضور

عامه مردم نخواهد بود)

جدیده یا تغییر در یکی از قواعد موجوده از وظایف وزراء مملکت است مجلس شورای مملکتی نیز حقیق دارد که تقاضای اصلاحات در موادیکه راجع بوظایف مخصوص خودشان است یا تغییر در قواعد موجوده را بنماید ولی بدو باید بتوسط صدر اعظم استدعای اجازه از اعلیحضرت همیونی بنمایند . اگر از طرف شاه اجازه داده بشود درد یا قبول ان رجوع بهینت وزراء خواهد شد

ماده هفدهم - دستوراتی را که مجلس وزراء مملکت حاضر بنمایند بعد از مراجعه و قبول مجلس شورای مملکتی اگر امر همیونی باجرا ان صادر کردد انوقت بموقع اجرا گذارده خواهد شد . اگر دستورات سابق الذکر را مجلس بکلی رد بنماید . . . « بقیه این جمله بمحدی درهم است که مترجم سفارت نتوانسته ترجمه بنماید »

ماده هیجدهم - اگر شرح قواعد ماده بنماده در مجلس شورای مملکتی قرائت بشود و اکثریت مجلس بقبول ماده بنماده ان رأی ندهد و بعد از ان اکثریت رأی که میسیون هم بان تعاقب نگیرد

ان قواعد بموقع اجرا گذارده نخواهد شد

ماده نوزدهم - مدت عضویت اعضاء مجلس دو سال است و بعد از انقضاء آن مدت بر حسب امر و لو گانه نوبت نانی انتخاب اعضاء آن تجدید خواهد شد.

ماده بیستم - هر امتیاز داخلی یا خارجی که اتباع داخله یا خارجه داده بشود بتصویب مجلس خواهد بود

ماده بیست و یکم - علاوه بر مواد قواعد یکم برای تعیین تکالیف اعضاء مجلس شورای مملکتی نوشته شده نظامنامه داخلی مجلس با اکثریت آراء در مجلس تهیه شده و بوسیله صدر اعظم و کابینه بشاه تقدیم خواهد شد و پس از تصویب شدن و موثق گردیدن باامضاء اعلیحضرت شاهنشاهی بموقع اجرا گذارده خواهد شد

(اعضاء محمد علی شاه قاجار)

« مافوقه دوم در لف نره ۵۵ »

پادداشت مشترک که با اعلیحضرت شاه ایران تقدیم شده نمایندگان دو انین انکلیس و روس مکرر با اعلیحضرت شاهنشاهی

برای منفع آن اعلیحضرت و مصالحت مملکت او نصیحت نموده اند
 که ایفاء به تعهدات خود در باب تشکیل مجلس منتخبه که آن
 اعلیحضرت کراراً بنمایند کان دولتین و ملت خود نموده است
 بنماید و عمومومی با تابع خودش که در تبریز تحت السلاح هستند
 اعطا بنماید

اینک نمایندگان دولتین با کمال افتخار و ببادرت و ورزیده و خاطر
 آن اعلیحضرت را مستحضر میدارند که تشکیل مجلس اعیان را
 بهیچوجه نمیتوان بجز آنکه تکمیل مواعید آن اعلیحضرت محسوب
 دانست چونکه اعضای آنرا مردم انتخاب نموده اند لهذا از آن
 اعلیحضرت استدعا مینمایند که آنها اطلاع بدهند چه وقت قصد
 دارند امر به تشکیل مجلس موعود بنمایند

در ضمن ببادرت نمودن باین استعمال از اعلیحضرت پادشاهی
 نمایندگان تکرار عقیده قاطع خود را مینمایند که امید ختم پذیرفتن
 اوضاع آهنگار کنونی مملکت فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه
 و اعلان شفو عمومی است

بتاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸ «اضاً جارج دار کلی سبلین»

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادواردگری « واصله در

۱۸ ژانویه ۱۹۰۹ » طهران بتاريخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۸

اقا - من بوسیله انکراف پیوسته شماره از اقدامات سفارتین برای متماعد نمودن شاه باینجا مواعید خود و اعاده حکومت مشروطه مستحضر داشته ام و الحال با کمال افتخار بوسیله این مکتوب شرح مفصل از راپورت میدهم

در مکتوب ۱۵ شهر جاری خودم راپورت دادم که بمحض مرئی گردیدن نظامنامه تعیین اختیارات مجلس جدید من و همکار روسیم یادداشت ستر که بشاه تقدیم داشتم و شران اشاره نمودیم که تشکیل این مجلسی که اعضای آنرا اعلیحضرت معظم نامزد نموده بمنزله تکمیل مواعید او محسوب شود

در عرض یکی دو روزه بعد از آن سفارتین راپورت رسید که شاه در حال تسیم شدن است و در شانزدهم شهر حال سعد الدوله برای همکار روسی من پیغام فرستاده بود که او پیغامی از اعلیحضرت معظم دارد و میخواهد بنماینددهای دولتین تبلیغ